

درس دوازدهم : کاوه ی دادخواه	۱
واژگان	۱
دستور	۴
آرایه های ادبی	۷
قرابت معنایی	۹
معنا و مفهوم ابیات و عبارات	۱۱
تاریخ ادبیات	۱۵
درس چهاردهم : حمله ی حیدری	۱۵
واژگان	۱۵
دستور	۱۹
آرایه های ادبی	۲۱
قرابت معنایی	۲۴
معنا و مفهوم ابیات و عبارات	۲۶
تاریخ ادبیات	۲۹
شعرخوانی: وطن	۲۹

این پک به صورت کامل برای تمام دروس تجربی با یک قیمت حداقلی که تمام افراد توانایی پرداخت آن را دارند منتشر شده بنابراین استفاده رایگان از آن مورد رضایت ما نخواهد بود جهت تهیه روی همین متن قرمز لمس یا کلیک کنید

فصل ششم : ادبیات حماسی

درس دوازدهم : کاوه ی دادخواه واژگان

- ۱ در بیت زیر، کلمه «گر» در چه معنایی به کار رفته است؟
تو شاهی و گر اژدهاپیکری
بیايد زدن داستان، آوری
- ۲ واژه‌های مشخص شده را معنا کنید.
«از آن پس چنین گفت با موبدان»
که ای پُر هنر با گهر بخردان
- ۳ «حماسه» در لغت به معنای است.
- ۴ هر یک از واژه‌های زیر، مشمول کدام وضعیتهای چهارگانه شده‌اند؟
■ پذیرش: (.....)
■ سوفار: (.....)
■ رکاب: (.....)
■ شوخ: (.....)
- ۵ در متن درس «کاوه دادخواه»، هر یک از واژه‌های زیر، در چه معنایی به کار رفته است؟
■ هنر (.....)
■ محضر (.....)
■ درای (.....)
■ منزل (.....)
- ۶ در عبارات زیر معنای واژه‌های مشخص شده را بنویسید.
الف) روزی یاران الحاح کردند و مرا به تفرّج بردند.
ب) از هر طرف نفیر برآمد.
ج) استعداد مجرّد، جز حسرت روزگار نیست.
- ۷ در بیت زیر معنای واژه مشخص شده را بنویسید.
بیامد به درگاه سالار نو
بدیدنش آن جا و برخاست غو
- ۸ در ابیات زیر واژه‌های مشخص شده را معنا کنید.
الف) خروشید کای پایمردان دیو
بریده دل از ترس کیهان خدیو
ب) نباشم بدین محضر اندر گوا
نه هر گز براندیشم از پادشاه
- ۹ در بیت زیر واژه‌های مشخص شده را معنا کنید.
«بدو گفت مهتر به روی دژم»
که بر گوی تا از که دیدی ستم
- ۱۰ در بیت زیر واژه‌های مشخص شده را معنا کنید.
«ز بیم سپهد همه راستان»
بر آن کار گشتند هم‌داستان

۱۱ در بیت زیر معنای واژه‌های مشخص شده را بنویسید.

«برآمد برین روزگار دراز کشید اژدهافش به تنگی فراز»

۱۲ در بیت زیر واژه‌های مشخص شده را معنا کنید.

«هنر خوار شد، جادویی ارجمند نهان راستی آشکارا گزند»

۱۳ در بیت زیر معنای واژه‌های مشخص شده را بنویسید.

نهان گشت کردار فرزنانگان پراکنده شد نام دیوانگان

۱۴ در بیت زیر معنای واژه‌های مشخص شده را بنویسید.

«چو ضحاک شد بر جهان شهریار بر او سالیان انجمن شد هزار»

۱۵ معنی واژه مشخص شده را بنویسید.

الف بدو گفت مهتر به روی دژم

ب به هر جزئی ز حسن او قصوری است

پ میان خیمه‌ها در تهجد و نیایش فرو رفتند.

۱۶ در هر یک از جمله‌ها و شعرهای زیر کدام واژه‌ها به ترتیب در معانی «عظیم، ترس، پایمال کردن» به کار رفته‌اند؟

الف یاد ایثارگران سهیم در این حماسه سترگ را تا همیشه در خاطره خویش پاس خواهیم داشت.

ب

فلک باخت از سهم آن جنگ، رنگ بود سهمگین جنگ شیر و پلنگ

پ

خروشید و برجست لرزان ز جای بدرید و بسپرد محضر به پای

۱۷ معنای واژگان مشخص شده زیر را بنویسید.

الف در داستان‌های حماسی ایران و اساطیر باستان، چهره انقلابی کاوه آهنگر بی‌نظیر است.

ب در فشی که پشتیبان آن، دل دردمند و بازوی مردم رنج‌کشیده و بی‌پناه بود.

پ سپس در لباس خوالیگری چالاک، خورش‌هایی حیوانی به او می‌خوراند.

ت

تو شاهی و گر اژدهاپیکری نباید زدن داستان، آوری

ث

چو برخواند کاوه، همه محضرش سبک، سوی پیران آن کشورش

ج بزد بر سرش ترگ بشکست خرد

چ فریدون به رویارویی با ضحاک آمد و دست به گرز گاوسر برد.

ح

زور داری، چون نداری علم کار لاف آن نتوان به آسانی زدن

خ علم در همه بابی لایق است و عالم در آن باب بر همه فایق.

۱۸ در ابیات زیر معنای واژه «گر» را بنویسید.

الف

گر او رفتی به جای حیدر گرد به رزم شاه گردان عمرو و عنتر

ب

تو شاهی و گر اژدهاپیکری باید بدین داستان داوری

۱۹ معنای واژه‌های مشخص شده را بنویسید.

الف مظهر خوی شیطانی است.

ب) تجسّمی است از خوهای اهریمنی و بیداد و منش خبیث.

پ)

از آن پس چنین گفت با موبدان

ت)

یکی محضر اکنون نباید نوشت

ث)

خروشید و برجست لرزان ز جای

ج)

از آن چرم کاهنگران پشت پای

چ)

پیوید کاین مهتر آهرمن است

ح)

همی رفت منزل به منزل چو باد

خ) کشتی گیری بود که در زور آزمایی شهره بود.

۲۰) معنی واژگان صحیح را از داخل کمانک انتخاب کنید.

الف) تو شاهی و گر اژدها پیکری / باید زدن داستان آوری (به طور قطع - احتمالاً)

۲۱) معنی واژه مشخص شده را بنویسید:

الف)

همان گه یکایک ز درگاه شاه

۲۲) با توجه به معنی واژه ها، املائی کلمات کدام گزینه تماماً درست است؟

الف) خالگیر: آشپز / سروش: فرشته
ج) مستحقان: نیازمندان / صفیر: فرستاده

۲۳) در بیت زیر معنای واژه مشخص شده را بنویسید.

«زهر کشوری مهتران را بخواست

۲۴) با توجه به معنا یا املا در جای خالی از واژگان مناسب استفاده کنید.

الف)

قارون شوی ار چند در سؤالی

ب) مردم با دیدن فریدون و کاوه بلندی سر دادند. (قو - غو)

پ) نشست و با بزرگان مایه رشد آدمی زاد می شود. (برخواست - برخاست)

ت) برای رسیدن به آمل و آرزوهای باید بسیاری از شیرینی های زندگی را فراموش کرد. (خویش - خویش)

۲۵) کدام واژه داخل کمانک از نظر املائی درست است؟

الف) کشتی گیری بود که در زور آزمایی شهره بود. بدر در میدان او (هلالی - حلالی) بود و رستم به دستان او زالی.

۲۶) در میان گروه های زیر نادرستی های املائی را بیابید و تصحیح کنید.

«خالگیری چالاک - مظهر اهریمن - منش خبیث - محضر ضحاک - فریاد و غو - حلال ماه - الحاح و اصرار - حیران و سرگشته - لایق و فایق - استعداد مجرّد»

۲۷) در متن زیر چهار غلط املائی وجود دارد، درست آنها را بنویسید.

«در داستان های حماسی ایران و اساطیر باستان، چهره انقلابی کاوه آهنگری بی نظیر است و پیش بند چرمین او که بر نیزه کرد و مردم را به اتحاد و جنبش فراخاند، درفش بود انقلابی که بر ضد پادشاه وقت، ضحاک، برافراشت. درفش که پشتیبان آن، دل دردمند و بازوی مردم رنج کشیده و بی پناه بود،

دستور

- ۲۸ در مصراع اول بیت زیر هسته را بیابید و وابسته‌های پسین و پیشین را مشخص کنید.
«یکی بی‌زیان مرد آهنگرم
ز شاه آتش آید همی بر سرم»
- ۲۹ در بیت زیر چندبار فعل حذف شده است؟
«هنر خوار شد جادویی ارجمند
نهان راستی آشکارا گزند»
- ۳۰ اجزای جمله دوم بیت زیر را مطابق زبان معیار مرتب کنید.
«خروشید و زد دست بر سر ز شاه
که شاهان منم کاوه دادخواه!»
- ۳۱ وضعیت کدام واژه مشخص شده در گذر زمان همانند کلمه «محضر» در مصراع «بدرید و بسپرد محضر به پای» است؟
الف) پای راست افکار شد.
ب) اختلاف صیادان آنجا متواتر.
ج) پا در رکاب راهوار خویش دارند.
- ۳۲ واژه «شوخ» از نظر وضعیتی که در گذر زمان پیدا کرده مشابه واژگان کدام گزینه است؟
الف) کثیف / سوگند ب) فتراک / برگستوان ج) شادی / پذیرش د) رکاب / یخچال
- ۳۳ وضعیت کدام دو واژه در گذر زمان یکسان است؟
الف) (سوفار - سوگند) ب) (کثیف - فتراک) ج) (سپر - رکاب)
- ۳۴ با توجه به بیت زیر به سؤالات پاسخ دهید.
«چو برخواند کاوه همه محضرش
سبک سوی پیران آن کشورش»
- الف) نقش دستوری «ش» را در مصراع اول مشخص کنید.
ب) نقش دستوری «سبک» چیست؟
- ۳۵ در ابیات زیر «را» نشانه چیست؟
الف) که گر هفت کشور به شاهی تورااست
ب) پیوید کاین مهتر اهرمن است
ج) جهان آفرین را به دل دشمن است
- ۳۶ در بیت زیر برای واژه‌های مشخص شده کدام وضعیت زبانی اتفاق افتاده است؟
«یکی محضر اکنون نباید نوشت
که جز تخم نیکی سپهد نکشت»
- ۳۷ در بیت زیر برای واژه‌های مشخص شده کدام وضعیت زبانی اتفاق است؟
«هنر خوار شد جادویی ارجمند
نهان راستی آشکارا گزند»
- ۳۸ در بیت زیر چه واژه‌هایی نقش مسندی دارند؟
«هنر خوار شد جادویی ارجمند
نهان راستی آشکارا گزند»
- ۳۹ در بیت زیر نقش دستوری واژه‌های مشخص شده را بنویسید.
«نهان گشت کردار فرزنانگان
پراگنده شد نام دیوانگان»
- ۴۰ هریک از واژه‌های مشخص شده در بیت‌های زیر مشمول کدام یک از وضعیت‌های چهارگانه شده است؟
الف) یکی خوب دستور بودش حریر
ب) سواد این سواد مکن بیش در دماغ
پ) دست از طلب ندارم تا کام من برآید
د) تن رسد به جانان یا جان ز تن برآید
- ۴۱ هریک از واژه‌های مشخص شده زیر، در گذر زمان مشمول کدام یک از وضعیت‌های چهارگانه شده است؟
الف) کف اندر دهانشان شده خون و خاک
ب) همه گبر و برگستوان چاک چاک
ج) خلوت گزیده را به تماشا چه حاجت است؟
د) چون کوی دوست هست به صحرا چه حاجت است؟
- ۴۲ وضعیت واژه‌های مشخص شده را در گذر زمان مشخص کنید.

الف

به برگستوان اندرون اسب گو

چنان چون بود رسم سالار نو

ب

بر این نیز بهرام سوگند خواست

زبان بود بر جان او بند خواست

پ

احمد مرسل که خرد خاک اوست

هر دو جهان بسته به فتراک اوست

ت

بخلش جایی رسیده کاو نگذارد

شوخ به گرمابه و موی به حجام

ث

در دل سنگ کثیف جواهر معادن و فلزات بیافرید.

ج

به دستور فرمود تا ساروان

هیون آرد از دشت صد کاروان

۴۳

در بیت‌های زیر نوع ترکیب‌های مشخص شده را بیابید.

الف

بیامد به درگاه سالار نو

بدیدندش آنجا و برخاست غو

ب

سوی لشکر آفریدون شدند

ز نیرنگ ضحاک بیرون شدند

پ

فریدون چو گیتی بر آن گونه دید

جهان پیش ضحاک وارونه دید

ت

پس آن گاه ضحاک شد چاره‌جوی

ز لشکر سوی کاخ بنهاد روی

۴۴

در هر جمله نقش واژه‌های مشخص شده را بنویسید.

الف

نهان گشت کردار فرزنانگان

پراکنده شد نام دیوانگان

ب

هم آن گه یکایک ز درگاه شاه

بر آمد خروشیدن دادخواه

پ

خروشید و زد دست بر سر ز شاه

که شاهانم کاوه دادخواه!

ت

یکی محضر اکنون ببايد نوشت

که جز تخم نیکی، سپهبد نکشت

۴۵

در بیت‌ها و جمله زیر نوع وابسته‌های گروه‌های اسمی مشخص شده را بنویسید.

الف

در داستان‌های حماسی ایران و اساطیر باستان، چهره انقلابی کاوه آهنگر بی‌نظیر است.

ب

ز بیم سپهبد همه راستان

بر آن کار گشتند همدستان

پ

یکی بی‌زبان مرد آهنگرم

ز شاه، آتش آید همی بر سرم

۴۶

در جمله‌های زیر هسته گروه‌های اسمی مشخص شده را بنویسید.

الف

خروشید کای پایمردان دیو

بریده دل از ترس گیهان‌خدیو

ب

کسی کاو هوای فریدون کند

دل از بند ضحاک بیرون کند

پ

ز هر کشوری مهتران را بخواست

که در پادشاهی کند پشت راست

ت

پیش‌بند چرمین او که بر نیزه کرد و مردم را به اتحاد و جنبش فرا خواند، در فشی بود انقلابی.

۴۷) واژگان مشخص شده در موارد زیر، مشمول کدام یک از وضعیت‌های چهارگانه واژگان در گذر زمان شده‌اند؟

الف

بدو گفت مهتر به روی دژم

که برگوی تا از که دیدی ستم؟

ب

چو بر خواند کاوه همه محضرش

سبک سوی پیران آن کشورش

پ

خروشید کای پایمردان دیو

بریده دل از ترس گیهان خدیو

ت

ناگاه مردی از کناره‌ای درآمد و نبرد خواست.

۴۸) نقش دستوری واژگان مشخص شده را بنویسید.

الف

نهان گشت کردار فرزنانگان

پراکنده شد کام دیوانگان

ب

ز بیم سپهد همه راستان

بدان کار گشتند هم‌داستان

۴۹) در هر یک از بیت‌های زیر وضعیت واژه مشخص شده را در گذر زمان بنویسید.

الف

در دکان بودی نگهبان دکان

نکته گفتی با همه سوداگران

ب

نه صورتی است مزخرف عبارت سعدی

چنان که بر در گرمابه می‌کند نقاش

پ

جهان پیر رِنا را ترخم در جَلّت نیست

ز مهر او چه می‌پرسی، در او همت چه می‌بندی

ت

وگر کمتر من از ایشان به نعمت

از آنان فروزم به شیرین‌زبانی

۵۰) در بیت «پوید کاین مهتر آهرمن است / جهان آفرین را به دل دشمن است.»

الف

نوع وابسته پیشین در جمله دوم را بنویسید.

ب) نقش واژه مشخص شده را بنویسید؟

۵۱) با توجه به وضعیت‌های چهارگانه واژگان در گذر زمان، واژه‌های «شوخ، سوفار، رکاب و پذیرش» را در مقابل توضیح صحیح آن بنویسید:

الف) این واژه از فهرست واژگان حذف شده است:

ب) این واژه با از دست دادن معنای پیشین، معنای جدید پذیرفته است:

پ) این واژه با همان معنای قدیم به حیات خود ادامه می‌دهد:

ت) این واژه معنای قدیم خود را حفظ کرده و معنای جدید نیز پذیرفته است:

۵۲) کدام یک از بیت‌های زیر به شیوه بلاغی است؟

آ) از آن پس، چنین گفت با موبدان

که ای پُره‌نر باگهر بخردان،

بر نامدارانش بنشانند

ب) ستم‌دیده را پیش او خواندند

۵۳ تفاوت معنایی «شد» را در بیت‌های زیر بررسی کنید.

الف. ز بس گرد از آن رزمگه بردمید
ب. سوی لشگر آفریدون شدند
تن هر دو شد از نظر ناپدید
ز نیرنگ ضحاک بیرون شدند

۵۴ هر یک از واژگان مشخص‌شده، مشمول کدام یک از وضعیت‌های چهارگانه در گذر زمان شده‌اند؟

الف. کثیف:

ب. خنده:

آرایه‌های ادبی

۵۵ عبارات کنایی زیر معنا کنید.

الف) پشت راست کردن:

ب) سر اندر کشیدن:

ج) سر از بند بیرون کردن:

۵۶ در بیت زیر، «درفش کاویان»، در کدام مفهوم نمادین به کار رفته است؟

تو یک ساعت، چو آفریدون به میدان باش، تا زان پس به هر جانب که روی آری درفش کاویان بینی «سنایی»

۵۷ هریک از واژه‌های مشخص‌شده، مجاز از چیست؟

چو کاوه برون شد ز درگاه شاه
بر او انجمن گشت بازارگاه

از آن چرم، کاهنگران پشت پای
پیوشند هنگام زخمِ درای

۵۸ در بیت‌های زیر «کنایه»ها را بیابید.

الف

بدانست خود کافریدون کجاست
سراندر کشید و همی رفت راست

ب

خروشید و زد دست بر سر ز شاه
که شاها، منم کاوه دادخواه

پ

همی رفت منزل به منزل چو باد
سری پر ز کینه، دلی پر ز داد

۵۹ در بیت‌های زیر «تشبیه»ها را مشخص کنید.

الف

برآمد برین روزگار دراز
کشید اژدهافش به تنگی فراز

ب

تو شاهی و گر اژدهاپیکری
باید زدن داستان، آوری

پ

بیوید کاین مهتر آهرمن است
جهان آفرین را به دل دشمن است

ت

یکی محضر اکنون ببايد نوشت
که جز تخم نیکی سپهد نکشت

۶۰ «مجاز» را در هر یک از ابیات زیر نشان دهید.

الف

چو کاوه برون شد ز درگاه شاه
بر او انجمن گشت بازارگاه

ب

همی برخروشید و فریاد خواند
جهان را سراسر سوی داد خواند

پ

از آن چرم کآهنگران پشت پای بیوشند هنگام زخم درای

۶۱ کنایه‌ها و مفهوم آنها را در ابیات زیر بنویسید.

الف

نهان گشت کردار فرزنانگان پراکنده شد کام دیوانگان

ب

برآمد برین روزگار دراز کشید اژدها را به تنگی فراز

پ

ز هر کشوری مهتران را بخواست که در پادشاهی کند پشت راست

۶۲ با توجه به ابیات زیر به سؤالات پاسخ دهید.

الف) خروشید و برجست لرزان ز جای بدرید و بسپرد محضر به پای

ب) چو کاوه برون آمد از پیش شاه بر او انجمن گشت بازارگاه

الف) در کدام بیت شجاعت و آزادگی کاوه ترسیم شده است؟

ب) در بیت «ب» کدام واژه «مجاز» است؟

پ) کدام بیت نشان‌دهنده پاسخ مثبت مردم به قیام کاوه است؟

۶۳ با توجه به بیت زیر به سؤالات پاسخ دهید.

پیوید کاین مهتر آهرمن است جهان آفرین را به دل دشمن است

الف) «پیوید» به چه معنایی به کار رفته است؟

ب) کاوه، مردم را به چه امر تشویق می‌کند؟

پ) آرایه تشبیه را بیابید.

۶۴ در ابیات زیر کلمات مشخص شده چه آرایه مشترکی دارند؟ مفهوم هر یک را بنویسید.

• بدان محضر اژدها ناگزیر گواهی نوشتند بُرنا و پیر

• یکی بی‌زیان مرد آهنگرم ز شاه آتش آید همی بر سرم

۶۵

چو ضحاک شد بر جهان شهریار بر او سالیان انجمن شد هزار

۶۶ در بیت زیر آرایه «حس آمیزی» را بیابید.

«سپهد به گفتار او بنگرید شگفت آمدش کان سخن‌ها شنید»

۶۷ در بیت زیر چه واژه‌هایی با هم «متضاد» هستند؟

«هنر خوار شد جادویی ارجمند نهان راستی آشکارا گزند»

۶۸ در بیت‌های زیر «جناس»‌ها را بیابید و نوع آنها را بنویسید.

الف

چنان بُد که ضحاک را روز و شب به نام فریدون گشادی دو لب

ب

بدو گفت مهتر به روی دژم که بر گوی تا از که دیدی ستم؟

۶۹ در بیت‌های زیر «تضادها» را بیابید.

الف

پیوید کاین مهتر آهرمن است جهان آفرین را به دل دشمن است

ب

نهان راستی، آشکارا گزند هنر خوار شد، جادویی ارجمند

۷۰ در هر یک از موارد زیر «استعاره» را مشخص کنید.

الف

بر آن محضر اژدها ناگزیر گواهی نوشتند بُرنا و پیر

ب

خروشید کای پایمردان دیو بریده دل از ترس گیهان خدیو

۷۱ کشتی‌گیری بود که در زور آزمایی شهره بود؛ بدر در میدان او هلالی بودی و رستم به دستان او زالی.

بیت پنجم درس «کاوه دادخواه» را از نظر آرایه‌های ادبی بررسی کنید.

۷۲ در بیت زیر آرایه‌های «جناس، استعاره و کنایه» را بیابید.

یکی بی‌زیان مرد آهنگرم ز شاه آتش آید همی بر سرم

۷۳ در بیت زیر آرایه‌های «کنایه، تضاد، استعاره و واج‌آرایی» را بیابید.

نہان گشت کردار فرزنانگان پراکنده شد نام دیوانگان

۷۴ در بیت زیر آرایه‌های «مراعات‌نظیر، جناس و کنایه» را بیابید.

خروشید و زد دست بر سر ز شاه که شاها منم کاوه دادخواه

۷۵ در بیت زیر آرایه‌های «کنایه، مراعات‌نظیر و تشبیه» را بیابید.

یکی محضر اکنون باید نوشت که جز تخم نیکی سپهد نکشت

۷۶ برای هر یک از بیت‌های زیر دست کم دو آرایه بنویسید.

الف

یکی بی‌زیان مرد آهنگرم ز شاه، آتش آید همی بر سرم

ب

خروشید و برجست لرزان ز جای بدرید و بسپرد محضر به پای

پ

همان، کاوه آن بر سر نیزه کرد همان‌گه ز بازار برخاست گرد

ت

کسی کاو هوای فریدون کند دل از بند ضحاک بیرون کند

ث

با جوانان چو دست بگشادی پای گردون پیر بربستی

قرابت معنایی

۷۷ بیت زیر را معنا کنید.

«بیامد به درگاه سالار نو بدیدنش آن جا و برخاست غو»

۷۸ مفهوم کلی هر یک از ابیات زیر را بنویسید.

الف) با جوانان چون دست بگشادی پای گردون پیر بربستی

ب) زور داری، چون نداری علم کار لاف آن نتوان به آسانی زدن

۷۹ با توجه به ابیات زیر به سؤالات پاسخ دهید.

«خروشان همی رفت نیزه به دست که ای نامداران یزدان‌پرست

کسی کاو هوای فریدون کند سر از بند ضحاک بیرون کند»

الف) کدام بیت به تقابل جناح حق و باطل می‌پردازد؟

ب) در بیت دوم دو عبارت کنایی بیابید.

۸۰ با توجه به بیت زیر به سؤالات پاسخ دهید.

«همه سوی دوزخ نهادید روی سپردید دل‌ها به گفتار اوی»

(الف) مرجع «اوی» چه کسی است؟

(ب) چند عبارت کنایی وجود دارد؟

۸۱ بیت زیر را معنا کنید.

«سپهبد به گفتار او بنگرید شگفت آمدش کان سخن‌ها شنید»

۸۲ بیت زیر را معنا کنید.

«بر آن محضر اژدها ناگزیر گواهی نوشتند برنا و پیر»

۸۳ با توجه به بیت زیر به سؤالات پاسخ دهید.

«بر آن محضر اژدها ناگزیر گواهی نوشتند برنا و پیر»

(الف) منظور از «محضر» چیست؟

(ب) اژدها چه کسی است؟

(ج) آیا برنایان و پیران دربار ضحاک از نوشتن گواهی‌نامه راضی بودند؟

۸۴ در بیت زیر منظور از واژه «کار» چیست؟

«ز بیم سپهبد همه راستان بر آن کار گشتند هم‌داستان»

۸۵ بیت زیر را معنا کنید.

«ز بیم سپهبد همه راستان بر آن کار گشتند هم‌داستان»

۸۶ با توجه به ابیات زیر به سؤالات پاسخ دهید.

«یکی محضر اکنون باید نوشت که جز تخم نیکی سپهبد نکشت»

(الف) ضحاک از موبدان چه درخواستی می‌کند؟

(ب) منظور از «سپهبد» چه کسی است؟

۸۷ بیت زیر را معنا کنید.

«یکی محضر اکنون باید نوشت که جز تخم نیکی سپهبد نکشت»

۸۸ با توجه به ابیات زیر به سؤالات پاسخ دهید.

«مرا در نهانی یکی دشمن است که بر بخردان این سخن روشن است»

(الف) منظور از دشمن، چه کسی است؟

(ب) فردوسی این سخنان را از زبان چه کسی بازگو می‌کند؟

۸۹ ابیات زیر را معنا کنید.

(الف) از آن پس، چنین گفت با موبدان که ای پُر هنر با گهر بخردان

(ب) مرا در نهانی یکی دشمن است که بر بخردان این سخن روشن است

۹۰ بیت زیر را به فارسی روان برگردانید.

«ز هر کشوری مهتران را بخواست که در پادشاهی کند پشت راست»

۹۱ بیت زیر را معنا کنید.

«چنان بُد که ضحاک را روز و شب به نام فریدون گشادی دو لب»

۹۲ بیت زیر را معنا کنید.

«برآمد برین روزگار دراز کشید اژدهافش به تنگی فراز»

۹۳ بیت زیر را معنا کنید.

«هنر خوار شد جادویی ارجمند / نهان راستی آشکارا گزند»

۹۴ بیت زیر به ترسیم دوران حکومت کدام پادشاه می‌پردازد؟

«نهان گشت کردار فرزنانگان / پراکنده شد نام دیوانگان»

الف) جمشید ب) ضحاک

۹۵ بیت زیر را به فارسی روان برگردانید.

«نهان گشت کردار فرزنانگان / پراکنده شد نام دیوانگان»

۹۶ بیت زیر را معنا کنید.

«چو ضحاک بر تخت شد شهریار / بر او سالیان انجمن شد هزار»

۹۷ بیت زیر را به نثر روان امروزی بنویسید:

شماریت با من بیاید گرفت / بدان تا جهان ماند اندر شگفت

۹۸ ابیات و عبارات زیر را به نثر روان بنویسید:

الف

بدو گفت مهتر به روی دژم / که بر گوی تا از که دیدی ستم

۹۹ در بیت‌های:

«بدو گفت مهتر به روی دژم / یکی بی‌زیان مرد آهنگرم

الف. «مهتر» کیست؟

ب. مفهوم «ز شاه آتش آید همی بر سرم» را بنویسید.

معنا و مفهوم ابیات و عبارات

۱۰۰ با توجه به متن درس «کاوه دادخواه»، «پایمردان دیو»، چه کسانی بودند؟ شخصیت آنها را تحلیل کنید.

۱۰۱ برای هریک از ویژگی‌های شعر حماسی، نمونه‌ای از متن درس «کاوه دادخواه» انتخاب کنید.

• زمینه ملی

• زمینه قهرمانی

۱۰۲ به گفته غلامحسین یوسفی در «چشمه روشن»، در اساطیر ایران «مار» مظهر چیست؟

۱۰۳ با توجه به متن غلامحسین یوسفی در درس «کاوه دادخواه»، ضحاک چند بار فریب ابلیس را می‌خورد؟

۱۰۴ با توجه به متن غلامحسین یوسفی در درس «کاوه دادخواه»، چهره ضحاک در کتاب «اوستا» چگونه ترسیم شده است؟

۱۰۵ کدام یک از ابیات زیر نشان‌دهنده رفتار ریاکارانه ضحاک است؟

الف) ز بیم سپهد همه راستان / بر آن کار گشتند همداستان

ب) بدو گفت مهتر به روی دژم / که بر گوی تا از که دیدی ستم

۱۰۶ بر اساس درس «کاوه دادخواه»، نام پدر «ضحاک» و «فریدون» به ترتیب و بود.

۱۰۷ بیت «هنر خوار شد، جادویی ارجمند / نهان راستی، آشکارا گزند» به کدام پدیده اجتماعی اشاره دارد؟

۱۰۸ کدام ویژگی شعر حماسی در بیت زیر دیده می‌شود؟

«همی رفت پیش اندرون مرد گرد / سپاهی بر او انجمن شد، نه خُرد»

الف) ملی ب) قهرمانی ج) قهرمانی و ملی

۱۰۹ بر اساس مفهوم ابیات زیر، کدام دسته از افراد، مخاطب شاعر نیست؟
خروشید کای پایمردان دیو
بریده دل از ترس گیهان خدیو

همه سوی دوزخ نهادید روی سپردید دل‌ها به گفتار اوی

الف) شورشیان درباری (ب) افراد خدانت‌رس (ج) یاریگران اهریمن (د) دل‌سپردگان به ابلیس
۱۱۰ در بیت «با جوانان چو دست بگشادی / پای گردون پیر بربستی» شاعر فردی را توصیف می‌کند که به لحاظ کدام جنبه، قوی است؟
الف) جسمی (ب) روحی

۱۱۱ بر اساس ابیات درس «کاوه دادخواه»، انگیزهٔ کاوه در قیام علیه ضحاک چه بوده است؟
۱۱۲ با توجه به درس «کاوه دادخواه»، مارانی که بر دوش ضحاک رویدند را مظهر چه خصلت‌هایی می‌توان دانست؟
۱۱۳ معنی و مفهوم بیت بیست‌ونهم درس «کاوه دادخواه» را به نثر روان بنویسید.
۱۱۴ با توجه به درس «کاوه دادخواه»، عکس‌العمل ضحاک در برابر سخنان تند و تیز کاوه چه بود؟
۱۱۵ کدام یک از ابیات زیر نشان‌دهندهٔ سخنان تند و جسارت کاوه در برابر ضحاک است؟

الف) تو شاهی و گر از دهاپیکری
ب) خروشید و برجست لرزان ز جای
باید زدن داستان، آوری
بدرد و بسپرد محضر به پای
۱۱۶ مفهوم دو بیت زیر را با یکدیگر مقایسه کنید.
الف) کج‌روان را دهند خرمن‌ها
ب) چهل و بی‌باکی شده فاش و حلال
۱۱۷ در بیت «خروشید کای پایمردان دیو / بریده دل از ترس گیهان خدیو» منظور از «دیو» و «گیهان خدیو» چیست؟
۱۱۸ در بیت: «هنر خوار شد، جادویی ارجمند / نهان راستی، آشکارا گزند» منظور از «هنر» چیست؟
۱۱۹ عبارت زیر بیانگر کدام زمینهٔ حماسه است؟
«بیشترین بخش حماسه را اشخاص و حوادث تشکیل می‌دهند و وظیفهٔ شاعر حماسی تصویرسازی انسان‌های ممتاز است.»
۱۲۰ اشعار و عبارات زیر را به نثر روان بنویسید.

الف

مگر کز شمار تو آید پدید که نوبت به فرزند من چون رسید؟
۱۲۱ با توجه به ابیات زیر، به سؤالات پاسخ دهید.
پیوید کاین مهتر آهرمن است جهان‌آفرین را به دل دشمن است
همی‌رفت پیش اندرون مرد گُرد سپاهی بر او انجمن شد نه خُرد

الف) در مصراع اول بیت اول، منظور از «پیوید» چیست؟

ب) منظور از «جهان‌آفرین» چه کسی است؟

پ) ترکیب «مرد گُرد» به کدام شخصیت داستان اشاره دارد؟

۱۲۲ با توجه به بیت زیر به پرسش‌ها پاسخ دهید.

شماریت با من باید گرفت بدان تا جهان ماند اندر شگفت

الف) منظور از «جهان» چیست؟

ب) مفهوم مصراع اول را بیان کنید.

۱۲۳ معنی ساده و روان هر یک از جملات زیر را بنویسید.

الف

تو شاهی و گر از دهاپیکری
باید زدن داستان، آوری

ب

خروشید کای پایمردان دیو
بریده دل از ترس گیهان خدیو

پ

خروشید و بر جَست لرزان ز جای

بدرید و بسپرد محضر به پای

ت

بپوید کاین مهتر آهرمن است

جهان آفرین را به دل، دشمن است

ث

همی رفت پیش اندرون مرد گرد

جهانی بر او انجمن شد، نه خُرد

ج

زور داری، چون نداری علم کار

لاف آن نتوان به آسانی زدن

۱۲۴

در هر یک از بیت‌های زیر منظور از بخش‌های مشخص شده چیست؟

الف

چنان بُد که ضحاک را روز و شب

به نام فریدون گشادی دو لب

ب

ستم‌دیده را پیش او خواندند

بر نامدارانش بنشانند

پ

خروشید و زد دست بر سر ز شاه

که شاهها منم کاوه دادخواه!

ت

یکی بی‌زیان مرد آهنگرم

ز شاه، آتش آید همی بر سرم

ث

سپهد به گفتار او بنگرید

شگفت آمدش کان سخن‌ها شنید

ج

نباشم بدین حضر اندر گوا

نه هرگز برانديشم از پادشاه

چ

همی رفت پیش اندرون مرد گرد

جهانی بر او انجمن شد، نه خُرد

ح

از آن چرم، کاهنگران پشت پای

بپوشند هنگام زخمِ درای

خ

خروشید کای پایمردان دیو

بریده دل از ترسِ گیهان‌خدیو

۱۲۵

مفهوم کلی هر یک از بیت‌های زیر را بنویسید.

الف

هنر خوار شد، جادویی ارجمند

نهان راستی، آشکارا گزند

ب

خروشید کای پایمردان دیو

بریده دل از ترسِ گیهان‌خدیو

پ

کسی کاو هوای فریدون کند

دل از بند ضحاک بیرون کند

ت

شماریت با من نباید گرفت

بدان تا جهان ماند اندر شگفت

۱۲۶

با توجه به متن زیر به سؤالات پاسخ دهید.

«کشتی‌گیری بود که در زور آزمایی شهره بود؛ بدر در میدان او هلالی بودی و رستم به دستان او زالی. روزی یاران الحاح کردند و مرا به تفرّج بردند؛ ناگاه مردی از کناره‌ای درآمد و نبرد خواست، خلق در وی حیران شدند؛ زور بازویی که کوه به هوا بردی! از هر طرف، نفیر برآمد. در حال که آن مرد دست بر

هم زد، کشتی گیر پایش بگرفت و سرش بر زمین محکم زد، گفتم: علم در همه بابی لایق است و عالم در آن باب بر همه فایق، استعداد مجرد جز حسرت روزگار نیست،

الف) مفهوم کلی چهار جمله اول چیست؟

ب) «نبرد خواستن» یعنی چه؟

پ) مفهوم عبارت پایانی چیست؟

۱۲۷) عبارات و اشعار زیر را به نثر روان معنی کنید.

الف)

اگر هفت کشور به شاهی تو راست چرا رنج و سختی همه بهر ماست؟

ب)

نباشم بدین محضر اندر گوا نه هرگز براندیشم از پادشا

پ)

همی بر خروشید و فریاد خواند جهان را سراسر، سوی داد خواند

ت)

کسی کاو هوای فریدون کند دل از بند ضحاک بیرون کند

ث) بدر در میدان او هلالی بودی و رستم به دستان او زالی.

ج)

با جوانان چو دست بگشادی پای گردون پیر بربستی

چ) روزی یاران الحاح کردند و مرا به تفرّج بردند.

ح) علم در همه بابی لایق است و عالم در آن باب بر همه فایق.

خ) استعداد مجرد، جز حسرت روزگار نیست.

۱۲۸) با توجه به ابیات زیر به سؤالات پاسخ دهید:

«از آن پس چنین گفت با موبدان که ای پره‌نر نامور بخردان
مرا در نهانی یکی دشمن است که بر بخردان این سخن روشن است
یکی محضر اکنون نباید نوشت که جز تخم نیکی سپهد نکشت»

الف) «موبدان» چه کسانی هستند؟

ب) منظور از «دشمن» چه کسی است؟

پ) منظور از «سپهد» چه کسی است؟

۱۲۹) با توجه به بیت زیر به سؤالات پاسخ دهید.

«ستم‌دیده را پیش او خواندند بر نامدارانش بنشانند»

الف) مرجع ضمیر «او» چه کسی است؟

ب) نقش دستوری «ش» را بنویسید.

پ) چرا کاوه را نزد انسان‌های سرشناس نشانند؟

۱۳۰) معنی ابیات و عبارات زیر را به نثر روان بنویسید.

الف)

بیامد به درگاه سالار نو بدیدندش آنجا و برخاست غو

۱۳۱) اشعار و عبارات زیر را به نثر ساده و روان برگردانید.

الف) چو ضحاک بر تخت شد شهریار / بر او سالیان انجمن شد هزار

ب) بر مصطفی بهر رخصت دوید / ازو خواست دستوری اما ندید

۱۳۲ در کدام گزینه همراهی مردم با کاوه علیه ضحاک دیده می‌شود؟ توضیح دهید.

- ۱) چو کاوه برون شد ز درگاه شما
 - ۲) همی برخروشید و فریاد خواند
 - ۳) کسی کاو هوای فریدون کند
 - ۴) بپوید کاین مهتر آهرمن است
- بر او انجمن گشت بازارگاه
جهان را سراسر سوی داد خواند
دل از بند ضحاک بیرون کند
جهان آفرین را به دل دشمن است

۱۳۳ با توجه به بیت زیر، «قدرت» مهم‌تر است یا «آگاهی»؟ توضیح دهید.

«زور داری، چون نداری علم کار
لاف آن نتوان به آسانی زدن»

۱۳۴ با توجه به عبارت زیر، استعداد اگر با چه چیزی همراه شود، موجب موفقیت می‌گردد؟

«علم در همه بابی لایق است و عالم در آن باب بر همه فایق؛ استعداد مجرد، جز حسرت روزگار نیست.»

۱۳۵ بیت زیر که در وصف یک کشتی‌گیر آمده است، کدام ویژگی او را نشان می‌دهد؟

«با جوانان چو دست بگشادی
پای گردون پیر بربستی»

۱۳۶ با توجه به بیت

«همی رفت منزل به منزل چو باد
سری پر ز کینه دلی پر ز داد»

انگیزه فریدون در قیام علیه ضحاک چه بوده است؟

۱۳۷ در بیت زیر منظور از «سالار نو» کیست؟

بیامد به درگاه سالار نو
بدیدندش آنجا و برخاست غو

۱۳۸ در بیت

«بپوید کاین مهتر آهرمن است
جهان آفرین را به دل دشمن است»

مصراع دوم کدام ویژگی ضحاک را بیان می‌کند؟

۱۳۹ در بیت زیر، کدام بخش نماد پیروزی است؟

«تو یک ساعت، چو افریدون به میدان باش، تا زان پس
به هر جانب که روی آری، درفش کاویان بینی»

تاریخ ادبیات

۱۴۰ کتاب «روضه خلد» نوشته کیست؟

۱۴۱ جای خالی را با توجه به متن غلامحسین یوسفی در درس «کاوه دادخواه» پر کنید.

در داستان‌های حماسی ایران و اساطیر باستان چهره کاوه آهنگر بی‌نظیر است.

واژگان

۱۴۲ در ابیات زیر معنای واژه‌های مشخص شده را بنویسید.

- | | |
|---------------------------------|---------------------------------|
| الف) مرا اوج عزّت در افلاک توست | به چشمان من کیمیا خاک توست |
| ب) کسی کز بدی دشمن میهن است | به یزدان، که بدتر از اهریمن است |
| ج) دفاع از وطن کیش فرزانی است | گذشتن ز جان رسم مردانگی است |

۱۴۳ منظور از «بینداخت» در بیت زیر چیست؟

«به نام خدای جهان آفرین
بینداخت شمشیر را شاه دین»

۱۴۴ معادل معنایی واژه‌های زیر را از متن درس «حملة حیدری» بیابید.

■ اسب: (.....)

■ اجازه: (.....)

■ شیر: (.....)

۱۴۵) کلمات ستون اول را به معادل آن در ستون دوم ربط دهید.

آواز	ژنده
مهیّب	سهم
ترس	پور
پسر	آوردگاه
شیر	لحن
نبردگاه	غضنفر

۱۴۶) از بین گروه واژه‌های زیر، معنای دو واژه نادرست است؛ درست آنها را بنویسید.
«پایمردی: شفاعت - چنبر: کمند - هژبر: خشمگین - زَنخدان: چانه - خَنیده: نامدار - مَخَنقه: گردن»

۱۴۷) در بیت‌های زیر واژه‌های مشخص شده را معنا کنید.

الف) زره لخت‌لخت و قبا چاک‌چاک سر و روی مردان پر از گرد و خاک

ب) چنّین آن دو ماهر در آداب ضرب ز هم رد نمودند هفتاد حرب

۱۴۸) معادل و هم‌معنای واژه‌های زیر را از متن درس «حملة حیدری» بیابید.

«مذهب - دریا - نوعی جامهٔ جلو باز - آب دهان - اسبی که بر اعضای او نقطه باشد - جنگ»

۱۴۹) کلمات ستون اول را به معادل آنها در ستون دوم وصل کنید.

بی‌عیب	ضرب
دوستدار	دغل
بلند کردن	بخشنده
باذل	برافراختن
کوفتن	حبیب
مکر	منزه

۱۵۰) در مصراع‌های زیر معنای واژه‌های مشخص شده را بنویسید.

الف) فلک باخت از سهم آن جنگ رنگ

ب) بخایید دندان به دندان کین

ج) چو نمود رخ شاهد آرزو

۱۵۱) معنی واژگان مشخص شدهٔ زیر را بنویسید.

الف)

حبیب خدای جهان‌آفرین

ب)

بر مصطفی بهر رخصت دوید

پ)

به سوی هژبر ژیان کرد رو

ت)

شجاع غضنفر، وصی نبی

ث)

برافروخت پس دست خیبرگشا

ج)

چو غلتید در خاک آن ژنده فیل

چ)

در غزا بر پهلوانی دست یافت

زود شمشیری برآورد و شتافت

ح

او خدو انداخت در روی علی

افتخار هر نَبی و هر ولی

خ

نهادند آوردگاهی چنان

که کم دیده باشد زمین و زمان

۱۵۲

با توجه به معنای داده شده، از متن درس معادل‌های مناسب بیاپید و بنویسید.

الف

ماده‌ای فرضی که به گمان پیشینیان، فلزاتی مانند مس و قلع را به طلا و نقره تبدیل می‌کند:

ب

نوعی جامه جلوباز که دو طرف جلوی آن با دکمه بسته می‌شود:

پ

آلت حرب و نزاع، مانند شمشیر و خنجر:

ت

سر باز زدن از انجام دادن کاری یا قبول کردن سخنی، خودداری کردن:

ث

لرزیدن از ترس:

ج

زیبارو و معشوق:

۱۵۳

معنای واژگان مشخص شده را بنویسید.

الف

که ناگاه عمرو آن سپهر نبرد

برانگیخت اَبَرش برافشانند گرد

ب

چون آن آهنین کوه آمد به دشت

همه رزمگه کوه فولاد گشت

پ

عمرو از جنگ با علی امتناع می‌کند.

ت

نخست آن سیه‌روز و برگشته‌بخت

برافراخت بازو چو شاخ درخت

ث

نهادند آوردگاهی چنان

که کم دیده باشد زمین و زمان

ج

پريد از رخِ کفر در هند، رنگ

تپيدند بت‌خانه‌ها در فرنگ

چ

از علی آموز اخلاص عمل

شیر حق را دان منزه از دَغَل

ح

در زمان انداخت شمشیر آن علی

کرد او اندر غزایش کاهلی

خ

منم پور ایران و نام‌آورم

ز نیروی شیران بود گوهرم

د

مرا اوجِ عزّت در افلاک توست

به چشمان من کیمیا خاک توست

۱۵۴

با توجه به بیت زیر به سؤالات پاسخ دهید.

«برافراخت پس دست خیبر گشا

پی سر بریدن بیفشرد پا»

الف

شاعر به کدام واقعه تاریخی اشاره کرده است؟

ب

معنای واژه مشخص شده را بنویسید.

۱۵۵

با توجه به ابیات زیر به سؤالات پاسخ دهید.

«منم پور ایران و نام‌آورم

ز نیروی شیران بود گوهرم

کنم جان خود را فدای وطن

که با او چنین است پیمان من»

الف شاعر چه پیمانی با وطن بسته است؟

ب معنای واژه‌های مشخص شده را بنویسید.

پ مرجع ضمیر «او» در بیت دوم کیست؟

۱۵۶ در گروه کلمات زیر غلط‌های املائی را بیابید و شکل صحیح آنها را بنویسید.

«بازل و بخشنده - حرب و جنگ - رخصت و دستوری - علم و پرچم - دغل و تباهی - بنده و معمور - منزّه و پاک - امتناع و ابا - خصم و دشمن - عمرو بن عبدود»

۱۵۷ در ابیات زیر شکل درست واژه املائی را انتخاب کنید.

الف) سپر بر سر آورد شیراله
ب) که ناگاه (عمر - عمرو) آن سپهر نبرد
ج) چنین آن دو ماهر در آداب ضرب
(علم - الم) کرد شمشیر آن اژدها
برانگیخت ابرش برافشاند گرد
ز هم رد نمودند هفتاد (حرب - هرب)

۱۵۸ کدام بیت به لحاظ املائی درست است؟

الف) سپر بر سر آورد شیراله
علم کرد شمشیر آن اژدها

ب) بیفشرد چون کوه پا بر زمین
بخواید دندان به دندان کین

۱۵۹ با توجه به معنا یا املا در جای خالی از واژگان مناسب استفاده کنید.

الف) رستم کیقبادفر، حیدر مصطفی ظفر
همره رخس و دل‌دلش فتح و (غزای - غذای)

ب) گفت من تیغ از پی حق می‌زنم
بنده حقم نه تنم (معمور - مأمور)

پ) گفت بر من تیغ تیز افراشتی
از چه افکندی مرا ؟ (بگذاشتی - بگذاشتی)

۱۶۰ در میان ابیات زیر، کدام بیت‌ها نادرستی املائی دارند؟ تصحیح کنید.

الف) دلیران میدان گشوده نذر
که بر کینه اول که بندد کمر

ب) همه برده سر در گریبان فرو
نشد هیچ کس را هوس، رزم او

پ) سپر بر سر آورد شیراله
الم کرد شمشیر، آن اژدها

ت) در قضا بر پهلوانی دست یافت
زود شمشیری برآورد و شتافت

ث) گفت: «من تیغ از پی حق می‌زنم
بنده حقم نه معمور تنم»

ج) رَوَد ذره‌ای گر ز خاکت به باد
به خون من آن ذره آغشته باد

۱۶۱ در گروه کلمات زیر سه غلط املائی وجود دارد، درست آنها را بنویسید.

«اوج عزّت - آقشته و مخلوط - دفاع و مدافعه - ذره و دریا - کیش فرزانه‌گی - اهریمن و ابلیس - منزّه و پاک - دغل و ناراستی - کاهلی در غزا - عفو و رحمت الهی - گزاردن و رها کردن - سهمگین و ترسناک - باذل مشهدی - دریغ و افسوس»

۱۶۲ در متن زیر چهار غلط املائی وجود دارد، درست آنها را بنویسید.

«با رسیدن به میدان هرب و ضرب، عمرو مبارز می‌طلبد. پیامبر (ص) از لشکر می‌پرسد که چه کسی حاضر است با عمرو بجنگد؟ لیکن جز علی (ع) کسی اعلام آمادگی نمی‌کند. در میدان نرد، عمرو از جنگ با علی امتنا می‌کند. او می‌داند که شجاع قطنفر که یقیناً وصی نبی بود نه تنها از نظر جسمی بلکه از نظر روحی ممتاز است و هم‌اوردی ندارد و تاکنون چندین خصم دون همت را به زانو در آورده است.»

۱۶۳ چهار واژه مهم املائی از متن درس «حملة حیدری» انتخاب کنید و بنویسید.

دستور

۱۶۴ جابه‌جایی ضمیر را در بیت زیر نشان دهید.

«غضنفر بزد تیغ بر گردنش در آورد از پای، بی سر تنش»

۱۶۵ با توجه به بیت «چنان دید بر روی دشمن ز خشم / که شد ساخته کارش از زهر چشم» به سوال پاسخ دهید.

ضمیر «ش» در واژه «کارش» با کدام کلمه در مصراع اول، نقش دستوری یکسانی دارد؟

۱۶۶ با توجه به بیت به سوالات پاسخ دهید.

«چو شیر خدا راند بر خصم تیغ به سر کوفت شیطان دو دست دریغ»

الف) بیت چند مفعول دارد؟

ب) چند «ترکیب اضافی» وجود دارد؟

۱۶۷ در بیت زیر چند «ترکیب وصفی» و چند «ترکیب اضافی» وجود دارد؟

«نخست آن سیه‌روز و برگشته‌بخت برافراخت بازو چو شاخ درخت»

۱۶۸ در بیت زیر چند «ترکیب وصفی» و چند «ترکیب اضافی» وجود دارد؟

«سپر بر سر آورد شیر اله عَلم کرد شمشیر آن اژدها»

۱۶۹ در بیت زیر نقش دستوری واژه‌های مشخص شده را بنویسید.

«نخست آن سیه‌روز برگشته‌بخت برافراخت بازو چو شاخ درخت»

۱۷۰ در بیت زیر نقش دستوری واژه‌های مشخص شده را بنویسید.

«دویدند از کین دل سوی هم در صلح بستند بر روی هم»

۱۷۱ در بیت زیر چند «ترکیب وصفی» و چند «ترکیب اضافی» وجود دارد؟

«حبیب خدای جهان آفرین نگه کرد بر روی مردان دین»

۱۷۲ در بیت زیر چند «ترکیب وصفی» و چند «ترکیب اضافی» وجود دارد؟

«به جز بازوی دین و شیر خدا که شد طالب رزم آن اژدها»

۱۷۳ شیوه بیان بیت زیر عادی است یا بلاغی؟ در صورت بلاغی بودن آن را مرتب کنید.

«همه برده سر در گریبان فرو نشد هیچ‌کس را هوس رزم او»

۱۷۴ در بیت زیر نقش دستوری واژه‌های مشخص شده را بنویسید.

«که ناگاه عمرو آن سپهر نبرد برانگیخت ابرش برافشانند گرد»

۱۷۵ در هر یک از بیت‌های زیر تعداد گروه‌های اسمی را مشخص کنید.

الف

از علی آموز اخلاص عمل شیر حق را دان منزه از دغل

ب

او خدو انداخت در روی علی افتخار هر نبی و هر ولی

پ

گفت بر من تیغ تیز افراشتی از چه افکندی مرا بگذاشتی

ت

شیر حَقَم نیستم شیر هوا فعل من بر دین من باشد گوا

ث

به جز بازوی دین و شیر خدا که شد طالب رزم آن اژدها

۱۷۶

در بیت‌های زیر ترکیب‌های وصفی یا اضافی را بیابید.

الف

دلیران میدان گشوده نظر که بر کینه اول که بندد کمر

ب

چو آن آهنین کوه آمد به دشت همه رزمگه کوه فولاد گشت

۱۷۷

در هر بیت نقش واژه‌های مشخص شده را بنویسید.

الف

حبیب خدای جهان آفرین نگه کرد بر روی مردان دین

ب

همه برده سر در گریبان فرو نشد هیچ کس را هوس، رزم او

پ

بر مصطفی بهر رخصت دوید ازو خواست دستوری اما ندید

ت

به سوی هژبر ژیان کرد رو به پیشش برآمد شه جنگ‌جو

۱۷۸

مشخص کنید که به چه دلیل ابیات زیر به «شیوه بلاغی» بیان شده‌اند؟

الف

چنین آن دو ماهر در آداب ضرب ز هم رد نمودند هفتاد حرب

ب

چنان دید بر روی دشمن ز خشم که شد ساخته کارش از زهر چشم

۱۷۹

در بیت‌های زیر هسته گروه‌های اسمی مشخص شده را بنویسید.

الف

که ناگاه عمرو آن سپهر نبرد برانگیخت ابرش برافشاند گرد

ب

همه برده سر در گریبان فرو نشد هیچ کس را هوس، رزم او

پ

حبیب خدای جهان آفرین نگه کرد بر روی مردان دین

۱۸۰

با توجه به بیت زیر به سؤالات پاسخ دهید.

«شجاع غضنفر وصی نبی نهنگ یم قدرت حق علی»

الف

در مصراع دوم کدام واژه از فهرست واژگان متروک شده است؟

ب

معنای واژه‌های مشخص شده را بنویسید.

پ

در مصراع اول یک استعاره بیابید.

۱۸۱

با توجه به بیت زیر به سؤالات پاسخ دهید.

«همه برده سر در گریبان فرو نشد هیچ کس را هوس رزم او»

الف

حرف «را» نشانه چیست؟

ب) یک عبارت کنایی بیابید و مفهوم آن را بنویسید.

۱۸۲) با توجه به بیت زیر به سؤالات پاسخ دهید.

«به نام خدای جهان آفرین / بینداخت شمشیر را شاه دین»

الف) واژه «بینداخت» به چه معناست؟

ب) منظور از «شاه دین» چه کسی است؟

پ) چند «ترکیب وصفی» و چند «ترکیب اضافی» وجود دارد؟

۱۸۳) با توجه به بیت زیر به سؤالات پاسخ دهید.

«حبیب خدای جهان آفرین / نکه کرد بر روی مردان دین»

الف) منظور از «حبیب» چه کسی است؟

ب) بیت چند جمله دارد؟

پ) نغمه حروف را بیابید.

۱۸۴) درستی یا نادرستی هر عبارت را مشخص کنید.

الف) در مصراع نخست بیت «زره لخت لخت و قبا چاک چاک / سر روی مردان پُر از گرد و خاک» نوع «و» عطف است.

۱۸۵) نقش دستوری کدام واژه مشخص شده در مقابل آن صحیح نیست؟

۱) چو نمود رخ، شاهد آرزو / به هم حمله کردند باز از دو سو (مفعول)

۲) ز بس گرد از آن رزمگه بر دمید / تن هر دو شد از نظر ناپدید (مسند)

۳) به نام خدای جهان آفرین / بینداخت شمشیر را شاه دین (نهاد)

۴) چو غلتید در خاک آن زنده فیل / بزد بوسه بر دست او، جبرئیل (متمم)

۱۸۶) در بیت یازدهم درس «حملة حیدری»، گروه‌های اسمی و هسته هر یک را مشخص کنید.

آرایه‌های ادبی

۱۸۷) مفهوم کنایه‌های زیر را بنویسید.

■ دندان به دندان خاییدن (.....)

■ رنگ باختن (.....)

۱۸۸) در بیت زیر آرایه‌های «کنایه و تشبیه» را بیابید.

«چو نمود رخ شاهد آرزو / به هم حمله کردند باز از دو سو»

۱۸۹) عبارات کنایی زیر را معنا کنید.

الف) عَلم کردن (ب) دندان به دندان خاییدن

۱۹۰) در بیت زیر کدام واژه «استعاره» دارد؟

«به سوی هژبر ژیان کرد رو / به پیشش برآمد شه جنگجو»

۱۹۱) در متن درس «حملة حیدری»، دو نمونه «استعاره» بیابید و مفهوم آنها را بنویسید.

۱۹۲) با توجه به بیت زیر به سؤالات پاسخ دهید.

«سپر بر سر آورد شیر اله / عَلم شمشیر آن اژدها»

الف) یک عبارت کنایی بیابید.

ب) دو استعاره بیابید.

۱۹۳) در بیت زیر آرایه‌های «مجاز و کنایه» را بیابید.

«که ناگاه عمرو آن سپهر نبرد / برانگیخت ابرش برافشاند گرد»

۱۹۴ استعاره‌ها را در بیت زیر پیدا کنید.

«به جز بازوی دین و شیر خدا
که شد طالب رزم آن اژدها»

۱۹۵ در بیت‌های زیر «مجاز»‌ها را بیابید.

الف

رود ذره‌ای گر ز خاکت به باد
به خون من آن ذره آغشته باد

ب

دلیران میدان گشوده نظر
که بر کینه اول که بندد کمر

پ

مرا اوج عزّت در افلاک توست
به چشمان من کیمیا، خاک توست

ت

منم پور ایران و نام‌آورم
ز نیروی شیران بود گوهرم

۱۹۶ در بیت‌های زیر «کنایه»‌ها را بیابید.

الف

که ناگاه عمرو آن سپهر نبرد
برانگیخت ابرش برافشانند گرد

ب

حبیب خدای جهان‌آفرین
نگه کرد بر روی مردان دین

پ

بیفشرد چون کوه پا بر زمین
بخایید دندان به دندان کین

۱۹۷ با توجه به بیت‌های زیر، موارد خواسته‌شده را پاسخ دهید.

«چو نمود رخ شاهد آرزو
چنان دید بر روی دشمن ز خشم
برافراخت پس دست خیبر گشا
چو شیر خدا راند بر خصم، تیغ
بر مصطفی بهر رخصت دوید
ازو خواست دستوری اما ندید»

الف آرایه «حس آمیزی» را در بیت پایانی مشخص کنید.

ب «اضافه تشبیهی» را در بیت اول مشخص کنید.

پ «مجاز» به کار رفته در بیت دوم را مشخص کنید.

ت بیت سوم به چه واقعه مهمی «تلمیح» دارد؟

ث مفهوم کنایه به کاررفته در بیت چهارم را بنویسید.

۱۹۸ در بیت‌های زیر «مشبه» و «مشبه‌به» را مشخص کنید.

الف

شجاع غضنفر، وصی نبی
نهنگ یم قدرت حق، علی

ب

چو نمود رخ شاهد آرزو
به هم حمله کردند باز از دو سو

۱۹۹ در بیت‌های زیر «استعاره»‌ها را مشخص کنید.

الف

فلک باخت از سهم آن جنگ، رنگ
بود سهمگین جنگ شیر و پلنگ

ب

به سوی هژبر ژیان کرد رو به پیشش برآمد شه جنگ جو

پ

چو غلتید در خاک آن ژنده فیل بزد بوسه بر دست او، جبرئیل

۲۰۰

مفهوم کنایه‌های زیر را بنویسید.

الف

کمر بستن

ب

سر در گریبان فرو بردن

پ

رنگ باختن

ت

دندان به دندان خاییدن

۲۰۱

با توجه به بیت زیر به سؤالات پاسخ دهید.

«به جز بازوی دین و شیر خدا که شد طالب رزم آن اژدها،

الف

منظور از «بازوی دین» و «شیر خدا» کیست؟

ب

در مصراع دوم یک استعاره بیابید.

۲۰۲

با توجه به بیت زیر به سؤالات پاسخ دهید.

«نهادند آوردگاهی چنان که کم دیده باشد زمین و زمان»

الف

کدام واژه‌ها در معنای مجازی به کار رفته‌اند؟

ب

مفهوم بیت به توصیف چه موضوعی می‌پردازد؟

پ

جناس ناهمسان را بیابید.

۲۰۳

در بیت زیر «مجاز و تشبیه» را مشخص کنید.

مرا اوج عزّت در افلاک توست به چشمان من کیمیا، خاک توست

۲۰۴

در بیت زیر کدام آرایه ادبی محسوس‌تر است؟

«دم تیغ بر گردنش چون رسید سر عمرو صد گام از تن پرید»

۲۰۵

در بیت‌های زیر «جناس»ها را بیابید و نوع آنها را بنویسید.

الف

رود ذره‌ای گر ز خاکت به باد به خون من آن ذره آغشته باد

ب

او خدو انداخت در روی علی افتخار هر نبی و هر ولی

۲۰۶

دو نمونه از کاربرد آرایه «اغراق» در متن درس «حملة حیدری» بیابید.

۲۰۷

در بیت زیر آرایه‌های «اغراق، کنایه و جناس» را بیابید.

«چنان دید بر روی دشمن ز خشم که شد ساخته کارش از زهر چشم»

۲۰۸

در بیت زیر آرایه‌های «مجاز، کنایه، تشخیص و جناس» را بیابید.

«پرید از رخ کفر در هند رنگ تپیدند بت‌خانه‌ها در فرنگ»

۲۰۹

در بیت زیر آرایه‌های «واج آرایی، مجاز، تشبیه و کنایه» را بیابید.

«نخست آن سیه‌روز برگشته‌بخت برافروخت بازو چو شاخ درخت»

۲۱۰

در بیت زیر آرایه‌های «جناس، کنایه، مجاز و واج آرایی» را بیابید.

«دلیران میدان گشوده نظر که بر کینه اول که بندد کمر»

۲۱۱ در بیت «چو آن آهنین کوه آمد به دشت / همه رزمگه کوه فولاد گشت» کدام آرایه بارز حماسه وجود دارد؟

الف) ایهام

ب) تضاد

ج) اغراق

د) تضمین

۲۱۲ در بیت زیر آرایه‌های «جناس ناهمسان، کنایه و تشبیه» را بیابید.

«دویدند از کین دل سوی هم در صلح بستند بر روی هم»

۲۱۳ در بیت زیر آرایه‌های «اغراق، جناس، کنایه و استعاره» را بیابید.

«چون آن آهنین کوه آمد به دشت همه رزمگه کوه فولاد گشت»

۲۱۴ برای هر یک از بیت‌های زیر دو آرایه بنویسید

الف)

نخست آن سیه‌روز و برگشته بخت برافراخت بازو چو شاخ درخت

ب)

دویدند از کین دل سوی هم در صلح بستند بر روی هم

پ)

غضنفر بزد تیغ بر گردنش در آورد از پای، بی‌سر تنش

۲۱۵ آرایه ادبی مقابل هر بیت را در آن نشان دهید.

الف)

چون آن آهنین کوه آمد به دشت همه رزمگه، کوه فولاد گشت (استعاره)

ب)

بیامد به دشت و نفس کرد راست پس آن‌گه باستاد و هم‌رزم خواست (مجاز)

پ)

دویدند از کین دل سوی هم در صلح بستند بر روی هم (جناس ناهمسان)

ت)

فلک باخت از سهم آن جنگ، رنگ بُود سهمگین، جنگ شیر و پلنگ (تشخیص)

قرابت معنایی

۲۱۶ داستان زیر را که از مثنوی مولوی انتخاب شده است، به لحاظ محتوا با درس حمله حیدری مقایسه کنید.

«از علی آموز اخلاص عمل شیر حق را دان منزّه از دغل

در غذا بر پهلوانی دست یافت زود شمشیری بر آورد و شتافت

او خدو انداخت در روی علی افتخار هر نبی و هر ولی

در زمان انداخت شمشیر آن علی کرد او اندر غزایش کاهلی

گشت حیران آن مبارز زین عمل وز نمودن عفو و رحم بی‌محل

گفت بر من تیغ تیز افراستی از چه افکندی مرا بگذاشتی؟

بندۀ حقّ نه مأمور تنم بندۀ حقّ نه مأمور تنم

شیر حقّ نیستم شیر هوا فعل من بر دین من باشد گوا»

۲۱۷ پیام بیت زیر بنویسید.

«شیر حقّ نیستم شیر هوا

فعل من بر دین من باشد گوا»

۲۱۸) با توجه به بیت زیر به سؤالات پاسخ دهید.

«چو غلتید در خاک آن ژنده‌فیل»
بزد بوسه بر دست او جبرئیل»

الف) منظور از «ژنده‌فیل» چه کسی است؟

ب) چرا جبرئیل دست امیرالمؤمنین (ع) را می‌بوسد؟

۲۱۹) «سر در گریبان فرو بردن» در مصراع «همه برده سر در گریبان فرو» چه مفهومی دارد؟

۲۲۰) مفهوم کلی بیت «شیر حَقَمَ نیستم شیر هوا / فعل من بر دین من باشد گوا» را بنویسید.

۲۲۱) عبارت کنایی «دندان به دندان خاییدن» یعنی چه؟

۲۲۲) پیام بیت زیر را بنویسید.

«کسی کز بدی دشمن میهن است
به یزدان، که بدتر از اهریمن است»

۲۲۳) مصراع دوم بیت زیر را معنا کنید.

«گفت: بر من تیغ تیز افراشتی
از چه افکندی مرا بگذاشتی»

۲۲۴) از دیدگاه «بازل مشهدی» (در درس «حملة حیدری») وقتی حضرت علی (ع)، عمرو بن عبدود را از پای درمی‌آورد، «شیطان» و «کفر» چه

عکس‌العملی دارند؟

۲۲۵) عبارات کنایی زیر را معنا کنید.

الف) پا فشردن:

ب) دست بر سر کوفتن:

ج) رنگ از رخ پریدن:

۲۲۶) مفهوم کلی بیت زیر چیست؟

«چنین آن دو ماهر در آداب ضرب
ز هم رد نمودند هفتاد حرب»

الف) بی‌مانند بودن نبرد ب) شدت درگیری و جنگ

۲۲۷) مفهوم بیت زیر چه چیزی را توصیف می‌کند؟

«ز بس گرد از آن رزمگه بر دمید
تن هر دو شد از نظر ناپدید»

۲۲۸) ابیات زیر را براساس مفاهیم «توازن قدرت - پافشاری در نبرد - شدت درگیری» مرتب کنید.

الف) فلک باخت از سهم آن جنگ رنگ بود سهمگین جنگ شیر و پلنگ

ب) بیفشرد چون کوه پا بر زمین بخایید دندان به دندان کین

ج) چو نمود رخ شاهد آرزو به هم حمله کردند باز از دو سو

۲۲۹) کدام بیت به رویارویی دو مبارز اشاره می‌کند؟

الف) زره لخت‌لخت و قبا چاک‌چاک سر و روی مردان پر از گرد و خاک

ب) به سوی هژبر ژیان کرد رو به پیشش برآمد شه جنگجو

۲۳۰) با توجه به بیت زیر به سؤالات پاسخ دهید.

«بیامد به دشت و نفس کرد راست
پس آن‌گه باستاد و هم‌رزم خواست»

الف) مفهوم کلی بیت چیست؟

ب) یک عبارت کنایی بیابید.

۲۳۱) با توجه به بیت زیر به سؤالات پاسخ دهید.

«چو آن آهنین‌کوه آمد به دشت
همه رزمگه کوه فولاد گشت»

الف) منظور از «آهنین‌کوه» چه کسی است؟

ب) چرا شاعر میدان جنگ را به کوه فولاد تشبیه کرده است؟

معنا و مفهوم ابیات و عبارات

۲۳۲ «حملة حیدری» در چه قالبی سروده شده است؟

۲۳۳ کدام واژه شعر «وطن» معادل مناسبی برای شخصیت ضحاک در شاهنامه است؟

۲۳۴ مفهوم کلی بیت زیر چیست؟

«دلیران میدان گشوده نظر که بر کینه اول که بندد کمر»

الف) ترسیدن از آغاز جنگ

ب) انتظار برای آغاز کردن جنگ

۲۳۵ واژه‌های مشخص شده در بیت زیر، معرف کدام شخصیت‌های تاریخی هستند؟

«سپر بر سر آورد شیر اله عَلم کرد شمشیر آن اژدها»

۲۳۶ کدام عبارت، برابر معنایی هر یک از مفاهیم زیر است؟

مفهوم	عبارت
الف) نپذیرفتن ب) تغییر مسیر دادن	۱- راه تافتن
	۲- بخایید دندان به دندان کین
	۳- تن درندادن
	۴- از فرط هیجان لگه دویدن

۲۳۷ درباره «لحن» و آهنگ خوانش سروده «وطن» از نظام وفا توضیح دهید.

۲۳۸ پیام ابیات زیر را بنویسید.

«چو شیر خدا راند بر خصم، تیغ پرید از رخ کفر در هند رنگ
به سر کوفت شیطان دو دست دریغ تپیدند بت‌خانه‌ها در فرنگ»

۲۳۹ معنی و مفهوم بیت ششم درس «حملة حیدری» را به نثر روان بنویسید.

۲۴۰ شعر «حملة حیدری» را با توجه به زمینه‌های اصلی حماسه بررسی کنید.

۲۴۱ در بیت «چو نمود رخ شاهد آرزو / به هم حمله کردند باز از دو سو» مفهوم مصراع اول چیست؟

۲۴۲ معنی ساده و روان هر یک از بیت‌های زیر را بنویسید.

الف)

مرا اوج عزّت در افلاک توست به چشمان من کیمیا خاک توست

ب)

رو دژه‌ای گر ز خاکت به باد به خون من آن ذره آغشته باد

پ)

کسی کز بدی، دشمن میهن است به یزدان، که بدتر ز اهریمن است

ت)

دویدند از کین دل سوی هم در صلح بستند بر روی هم

ث)

دلیران میدان گشوده نظر که بر کینه اول که بندد کمر

ج)

که ناگاه عمرو آن سپهر نبرد برانگیخت ابرش برافشانند گرد

چ

چو آن آهنین کوه آمد به دشت

همه رزمگه کوه فولاد گشت

ح

فلک باخت از سهم آن جنگ، رنگ

بود سهمگین جنگ شیر و پلنگ

خ

چو نمود رخ شاهد آرزو

به هم حمله کردند باز از دو سو

د

چنین آن دو ماهر در آداب ضرب

ز هم رد نمودند هفتاد حرب

ذ

چنان دید بر روی دشمن ز خشم

که شد ساخته کارش از زهر چشم

ر

چو غلتید در خاک آن ژنده فیل

بزد بوسه بر دست او، جبرئیل

۲۴۳

مفهوم قسمت‌های مشخص شده را بنویسید.

الف

حبیب خدای جهان‌آفرین

نگه کرد بر روی مردان دین

ب

به جز بازوی دین و شیر خدا

که شد طالب رزم آن اژدها

پ

به سوی هژبر ژیان کرد رو

به پیش برآمد شه جنگ‌جو

ت

بیفشرد چون کوه پا بر زمین

بخایید دندان به دندان کین

ث

ز بس گرد از آن رزمگه بردمید

تن هر دو شد از نظر ناپدید

ج

غضنفر بزد تیغ بر گردنش

در آورد از پای، بی‌سر تنش

چ

به نام خدای جهان‌آفرین

بینداخت شمشیر را شاه دین

۲۴۴

مفهوم کلی بیت‌های زیر را بنویسید.

الف

دویدند از کین دل سوی هم

در صلح بستند بر روی هم

ب

چنین آن دو ماهر در آداب ضرب

ز هم رد نمودند هفتاد حرب

پ

چنان دید بر روی دشمن ز خشم

که شد ساخته کارش از زهر چشم

۲۴۵

ایات زیر را به نثر روان بازگردانی کنید.

الف

همه برده سر در گریبان فرو

نشده هیچ کس را هوس، رزم او

ب

بَرِ مصطفیٰ بهر رخصت دوید

از او خواست دستوری اَمّا ندید

پ

بیفشرد چون کوه، پا بر زمین

بخایید دندان به دندان کین

ت

زره لَخت لَخت و قبا چاک چاک

سر و روی مردان پر از گرد و خاک

ث

برافراخت پس دست خیبر گشا

پی سر بریدن بیفشرد پا

ج

چو شیر خدا راند بر خصم، تیغ

به سر کوفت شیطان، دو دستِ دریغ

چ

پرید از رخ کفر در هند، رنگ

تپیدند بت‌خانه‌ها در فرنگ

ح

غضنفر بزد تیغ بر گردنش

در آورد از پای، بی‌سر تنش

خ

دفاع از وطن، کیشِ فرزانی‌ست

گذشتن ز جان، رسم مردانگی‌ست

۲۴۶

با توجّه به ابیات زیر، به سوالات پاسخ دهید.

«حیب خدای جهان آفرین

نگه کرد بر روی مردان دین

همه برده سر در گریبان فرو

نشد هیچ کس را هوس رزم او،

الف

«حیب خدا» چه کسی است؟

ب

«سر در گریبان فرو بردن» چه مفهومی دارد؟

پ

منظور از «او» کیست؟

۲۴۷

در ابیات زیر منظور از ضمیرهای مشخص شده را بنویسید.

الف

به سوی هُزْبرِ ثیان کرد رو

به پیشش برآمد شه جنگ‌جو

ب

چو غلتید در خاک، آن ژنده‌فیل

بزد بوسه بر دست او جبرئیل

پ

مرا اوج عزّت در افلاک توست

به چشمان من کیمیا خاک توست

۲۴۸

پیام هر یک از دو بیت زیر را به صورت جداگانه بنویسید.

الف

چو شیر خدا راند بر خصم تیغ / به سر کوفت شیطان دو دست دریغ

ب

پرید از رخ کفر در هند رنگ / تپیدند بت‌خانه‌ها در فرنگ

۲۴۹

با مقایسهٔ ابیاتی که در هر یک از موارد زیر آمده، بنویسید هر مورد کدام ویژگی‌های حضرت علی (ع) را می‌ستاید؟

الف) شجاع غضنفر، وصی نبی

نهنگِ یمِ قدرتِ حق، علی

برافراخت پس دست خیبر گشا

پی سر بریدن بیفشرد پا

غضنفر بزد تیغ بر گردنش

در آورد از پای، بی‌سر تنش

ب) گفت: «من تیغ از پی حق می‌زنم

بندهٔ حقّ نه مأمور تنم

شیر حقّ نیستم شیر هوا

فعل من بر دین من باشد گوا»

۲۵۰ در بیت زیر، منظور از عبارت مشخص شده چیست؟

«بیامد به دشت و نفس کرد راست» پس آن گه باستاد و هم‌رمز خواست،

۲۵۱ یکی از بیت‌های شعر «وطن» را به دلخواه انتخاب کنید و پیام کلی آن را بنویسید.

تاریخ ادبیات

۲۵۲ شعر «وطن» سروده کدام شاعر معاصر است؟

۲۵۳ شعر «حملة حیدری» سروده کیست؟

۲۵۴ منظومه «حملة حیدری» اثر کیست و در چه قالبی سروده شده است؟

شعرخوانی: وطن

۲۵۵ با توجه به شعر «وطن» جاهای خالی را کامل کنید.

الف

ز نیروی شیران بود گوهرم

ب

کنم جان خود را فدای وطن

پ

کسی کز بدی، دشمن میهن است

ت

به چشمان من کیمیا خاک توست

۲۵۶ ابیات زیر را کامل کنید.

الف

منم پور ایران و نام‌آورم

ب

دفاع از وطن، کیش فرزانیست

پ

به یزدان که بدتر ز اهریمن است

ت

به خون من آن ذره آغشته باد

۲۵۷ ابیات زیر را کامل کنید.

الف

به چشمان من کیمیا خاک توست

۲۵۸ ابیات زیر را کامل کنید.

الف

مرا اوج عزت در افلاک توست

۲۵۹ با توجه به شعرهای حفظی در هر یک از ابیات زیر، برخی واژه‌ها جابه‌جا شده‌اند؛ آنها را در جای خود قرار دهید.

الف

رود گر ذره‌ای ز خاکت به باد آن ذره به خون من آغشته باد

۲۶۰ بیتی از شعر «وطن» اثر «نظام وفا» بنویسید که واژه‌های «وطن و کیش» در آن باشد.

۲۶۱ واژه‌های به‌هم‌ریخته مصراع زیر را مرتب کنید سپس بیت آن را به‌صورت کامل بنویسید.

«آغشته / خون / آن / من / ذره / باد / به»

۲۶۲ کدام گزینه می‌تواند مصراع دوم بیت زیر باشد؟

«منم پور ایران و نام آورم»

الف. که با او چنین است پیمان من

ب. گذشتن ز جان، رسم مردانگی است

پ. ز نیروی شیران بُود گوهرم

ت. به یزدان، که بدتر ز اهریمن است

پاسخنامه تشریحی

- ۱ یا
- ۲ موبدان: پیشوایان روحانی زردشتی
باگهر: اصیل، نژاد، با نسب
بخردان: خردمندان، هشیاران، عاقلان
- ۳ شجاعت (دلاوری)
- ۴ پذیرش: با همان معنی قدیم به حیات خود ادامه داده است.
سوفار: از فهرست واژگان حذف شده است.
- رکاب: هم معنای قدیم خود را حفظ کرده و هم معنای جدید گرفته است. (رکاب اسب - رکاب دوچرخه)
شوخ: معنای پیشین را از دست داده و معنای جدید گرفته است. (معنای پیشین: چرک)
- ۵ هنر: فضیلت / محضر: استشهادنامه، گواهی‌نامه / درای: پتک / منزل: اقامتگاه
- ۶ الف) الحاح: پافشاری، اصرار / تفرّج: گشت و گذار و تماشا، سیر و گردش
ب) نفیر: فریاد و زاری به آواز بلند
ج) مجرّد: صرف
۷ غو: نعره کشیدن، فریاد، خروش، غریو
۸ الف) پایمردان دیو: دستیاران حکومت بیداد / کیهان خدیو: خدای جهان
ب) براندیشم: بترسم
۹ مهتر: بزرگ، رئیس
دژم: خشمگین
۱۰ سپهبد: فرمانده و سردار سپاه
راستان: افراد درست، نیکوکار و بر حق
همداستان: موافق، همراه
۱۱ اژدهافش: مانند اژدها، ضحاک
فراز: بلندی، بالایی ≠ نشیب
۱۲ هنر: علم، فضیلت، معرفت / خوار: بی‌ارزش / جادویی: سحر و جادوگری / گزند: آزار، آسیب، دغل
۱۳ کردار: عمل، راه، روش / فرزندگان: خردمندان / دیوانگان: دیوصفتان، بی‌خردان
۱۴ ضحاک: معرب اژی‌دهاک، اژدها / شهریار: پادشاه، سلطان، فرمانروا
انجمن شدن: جمع شدن، گرد آمدن
- ۱۵ الف) خشمگین
ب) نقص و کاستی، عیب
پ) شب بیداری (شب زنده داری)
- ۱۶ الف) سترگ = عظیم
ب) سهم = ترس
پ) بسپردن = پایمال کردن
- ۱۷ الف) اساطیر: افسانه‌ها و داستان‌های خدایان و پهلوانان ملل قدیم
ب) درفش: پرچم؛ بیرق

پ خوالیگر: آشپز

ت آوری: بی گمان، بی تردید، به طور قطع

ث سبک: سریع و شتابان

ج ترگ: کلاه خود

چ گرز گاوسر: گریزی که سر آن شبیه سرِ گاو بوده است.

ح لاف: سخنان بی پایه و اساس، دعوی باطل، ادعا

خ فایق: دارای برتری، مسلط، چیره

۱۸

الف اگر

ب یا

۱۹

الف خوی: ویژگی، خصلت

ب منش: خوی، سرشت / خبیث: پلید، ناپاک

پ موبد: روحانی زردشتی / بخرد: خردمند، دانشمند

ت محضر: استشهادنامه / سپهبد: فرمانده و سردار سپاه

ث سپردن: پایمال کردن و زیر پا انداختن

ج پشت پای: روی پا، سینه پا / زخم درای: ضربه پتک

چ بپوید: حرکت کنید، برخیزید

آهرمن: اهریمن، شیطان

ح منزل: جای فرود آمدن، ایستگاه

خ شهره: مشهور

۲۰

الف به طور قطع

۲۱

الف ناگهان

۲۲ گزینه (د)

املاهای درست: خوالیگر - رشحه - سفیر

۲۳ مهتران: جمع مهتر: بزرگ، رئیس، سرور، نقیب ≠ کهتر

۲۴

الف هلالی

ب غو

پ برخاست

ت خویش

۲۵

الف هلالی

۲۶ واژه‌های «خالیگر و حلال ماه» نادرست و شکل صحیح آنها «خوالیگر و هلال ماه» است.

۲۷ هماسی ← حماسی / اساتیر ← اساطیر / بی‌نذیر ← بی‌نظیر / فراخاند ← فراخواند

۲۸ یکی بی زبان مرد ← یک مرد آهنگر بی‌زبان

صفت شمارشی هسته صفت پسین صفت پسین

۲۹ سه بار فعل حذف شده است:

۱- جادویی ارجمند (شد) ۲- راستی نهان (شد) ۳- گزند آشکار (شد)

۳۰ ز شاه دست بر سر زد یا «دست ز شاه بر سر زد»

۳۱ (ب) اختلاف

۳۲ گزینه الف (با از دست دادن معنی پیشین و گرفتن معنای جدید به دورۀ بعد منتقل شده)

۳۳ گزینه «ج» یا «سپر و رکاب»

۳۴ الف) «ش» در محضرش (محضر او) مضاف الیه است.

(ب) «سبک» به معنای «سریع» قید است.

۳۵ الف: را: حرف اضافه: به شاهی تو را است ← به شاهی برای تو است.

متمم

ب: را: فک اضافه: جهان آفرین را به دل دشمن است ← به دل دشمن جهان آفرین است.

۳۶ محضر: در گذر زمان دچار «تحول معنایی» شده است. این واژه در قدیم به معنای استشهادنامه بوده است اما اکنون به معنای جای نوشتن اسناد و احکام، دفتر

ثبت اسناد به کار می‌رود. «نیکی» با همان معنای قدیم به حیات خود ادامه می‌دهد.

۳۷ واژه‌های «خوار»، «ارجمند» و «گزند» هر سه، در گذر زمان با همان معنای قدیم به حیات خود ادامه داده‌اند.

۳۸ خوار- ارجمند- نهان- آشکارا

۳۹ کردار: نهاد / فرزندگان: مضاف الیه / پراگنده: مسند / نام: نهاد

۴۰ الف) دستار: از فهرست واژه‌ها حذف گردید. (متروک)

(ب) کثیف: معنای قدیم خود را از دست داده و معنای جدیدی یافته است. (تحول معنایی)

(پ) دست: با همان معنای قدیم به حیات خود ادامه می‌دهد.

۴۱ الف) برگستوان: به‌طور کامل از فهرست واژگان حذف شد (متروک)

(ب) تماشا: با از دست دادن معنی قدیم، معنای جدید یافت (تحول معنایی)

۴۲

الف) برگستوان: متروک شده (لباس جنگاوران قدیم)

ب) سوگند: تحول معنایی (معنای قدیم: گوگرد؛ معنای جدید: قسم)

پ) فتراک: متروک شده (ترک‌بند)

ت) شوخ: تحول معنایی (معنای قدیم: چرک؛ معنای جدید: طنز)

ث) کثیف: تحول معنایی (معنای قدیم: کلفت و ضخیم؛ معنای جدید: چرک و کثیف)

ج) دستور: تحول معنایی (معنای قدیم: وزیر، اجازه، راهنما؛ معنای جدید: دستور، فرمان)

۴۳

الف) درگاه سالار: اضافی / سالار نو: وصفی

ب) نیرنگ ضحاک: اضافی

پ) آن گونه: وصفی

ت) سوی کاخ: اضافی

۴۴

الف) کردار: نهاد / دیوانگان: مضاف الیه

ب) یکایک: قید / خروشیدن: نهاد

پ) دست: مفعول / کاوه: مسند

ت) نیکی: مضاف الیه / سپهبد: نهاد

۴۵

الف) انقلابی: صفت بیانی / کاوه: مضاف الیه / آهنگر: صفت بیانی

ب) آن: صفت اشاره

پ) یکی: صفت شمارشی / بی‌زبان: صفت بیانی / آهنگر: صفت بیانی

۴۶

الف) پایمرد

ب) هوا

پ) کشور

ت) پیش‌بند / درفش

۴۷

الف) «دُرَم» از فهرست واژگان حذف شده است.

ب) «سبک» در گذشته به معنی «سریع» بوده اما امروزه به معنی «کم‌وزن» است و تغییر معنا داشته است.

پ) «خدیو» از فهرست واژگان حذف شده است.

ت) «نبرد» با همان معنای قدیم به کار می‌رود.

۴۸

الف) «نهان» مسند است. (کردار فرزنانگان نهان گشت.)

ب) «همه» صفت مبهم و وابسته پیشین اسم است.

۴۹

الف) سوداگران: تحوّل معنایی (معنای قدیم: مشتریان، تاجران / معنای جدید: بدکاران)

ب) مزخرف: تحوّل معنایی (معنای قدیم: آراسته شده به جواهر / معنای جدید: بیهوده و بی‌معنا)

پ) رعنا: تحوّل معنای (معنای قدیم: زن گول‌زن و خودآرا و خودپسند / معنای جدید: خوش قد و قامت)

ت) نعمت: بی‌تغییر

۵۰

الف) صفت اشاره

ب) مضاف‌الیه

۵۱) الف) سوفار / ب) شوخ / پ) پذیرش / ت) رکاب

۵۲) بیت «آ»: تقدّم فعل بر متّم

۵۳) الف. شد (اسنادی) = گشت

ب. شدند، رفتند

۵۴) الف. کثیف: دچار تحول معنایی شده و با از دست دادن معنای قدیم، معنای جدید پذیرفته است.

ب. خنده: با همان معنای گذشته ادامه حیات می‌دهد.

۵۵) الف) «پشت راست کردن» کنایه از برطرف کردن مشکلات است.

ب) «سر اندر کشیدن» کنایه از به مسیر خود ادامه دادن است.

ج) «سر از بند بیرون کردن» کنایه از خود را از سلطه و اسارت نجات دادن است.

۵۶) نماد پیروزی

۵۷) بازارگاه: مردم بازار / چرم: پیش‌بند آهنگران که از جنس چرم است و درفش کاویان نیز در حقیقت پیش‌بند آهنگری کاوه بود.

۵۸

الف) سراندر کشیدن کنایه از رفتن و راه خود را پیش گرفتن

ب) دست بر سر زدن کنایه از اظهار ناراحتی و غم و بدبختی

پ) سری پر از کینه داشتن کنایه از دشمنی و نفرت

دلی پر از داد داشتن کنایه از عدالت‌خواه بودن

۵۹

الف) مانند کردن ضحاک به اژدها

ب) مانند کردن پیکر به اژدها

پ) مانند کردن مهتر (ضحاک) به آهرمن

ت مانند کردن نیکی به تخم (تخم نیکی)

۶۰

الف «بازارگاه»: مجاز از مردم بازار

ب «جهان»: مجاز از مردم جهان

پ «چرم»: مجاز از پیش‌بند چرمی

۶۱

الف «پراکنده شدن نام»: کنایه از مشهور شدن

ب «به تنگی فراز کشیدن»: کنایه از خوار شدن

پ «پشت راست کردن»: کنایه از محکم و مقتدر شدن

۶۲

الف بیت «الف»

ب بازارگاه مجاز از مردم بازار است.

پ بیت «ب»

۶۳

الف بپوید یعنی برخیزید، قیام کنید.

ب کاوه، مردم را به قیام و مبارزه در برابر ضحاک دعوت می‌کند.

پ این مهتر (ضحاک) به اهریمن تشبیه شده است.

۶۴ هر دو واژه مشخص شده «استعاره» دارند؛ «اژدها» استعاره از «ضحاک» و «آتش» استعاره از «ظلم و ستم»

۶۵ جهان مجاز از ایران

۶۶ حس‌آمیزی: نگریستن به گفتار (بینایی - شنوایی)

۶۷ هنر ≠ جادویی خوار ≠ ارجمند

نهان ≠ آشکارا راستی ≠ گزند

۶۸

الف شب، لب: جناس ناهمسان

ب که (حرف ربط)، که (ضمیمه پرسشی): جناس همسان

۶۹

الف آهرمن، جهان‌آفرین: تضاد

ب هنر با جادویی / خوار با ارجمند / نهان با آشکارا / راستی با گزند

۷۰

الف اژدها استعاره از ضحاک

ب دیو استعاره از ضحاک

پ رستم، بدر استعاره از انسان قوی / هلال، زال استعاره از انسان ضعیف / داستان ۱. دست‌ها ۲. لقب زال: ایهام تناسب

۷۱ بیت پنجم: چنان‌بُد که ضحاک را روز و شب / به نام فریدون گشادی دو لب

*تضاد: روز و شب

*اغراق در زمان نام بردن از فریدون / جناس ناهمسان: شب و لب / کنایه: گشودن لب (سخن گفتن)

۷۲ جناس ناهمسان: بر، سر

استعاره مصرّحه: «آتش» استعاره از ستم و ظلم است.

کنایه: «آتش بر سر آمدن» کنایه از ظلم و ستم دیدن است.

۷۳ کنایه: «نهان گشتن چیزی» کنایه از رونق افتادن آن کار / پراکنده شدن نام: کنایه از شهرت یافتن

استعاره: «دیوانگان» استعاره از طرفداران ضحاک است.

تضاد: فرزانه و دیوانه / نهان و پراکنده

واج آرای: تکرار مصوت "آ"

۷۴) مراعات نظیر: دست و سر

جناس ناهمسان: بر، سر

کنایه: «دست بر سر زدن» کنایه از دادخواهی و زاری کردن است.

۷۵) کنایه: «تخم نیکی کاشتن» کنایه از نیکوکار بودن است.

تناسب: تخم و کاشتن

تشبیه: تخم نیکی: اضافه تشبیهی، نیکی به بذری تشبیه شده است.

۷۶)

الف) آتش استعاره از ظلم و ستم و مصیبت / آتش بر سر آمدن کنایه از مورد ظلم و ستم قرار گرفتن

ب) واج آرای «ر» / جای، پای: جناس ناهمسان / لرزان بودن کنایه از شدت خشم / به پا سپردن کنایه از بی ارزش کردن

پ) کرد، گرد: جناس ناهمسان / مصراع دوم کنایه از شلوغ شدن و قیام کردن

ت) هوای کسی کردن کنایه از طرفداری کردن / دل از بند بیرون کردن کنایه از فراموش کردن و اطاعت نکردن / واج آرای «ن»

ث) «جوان، پیر» و «گشادن دست، بر بستن پا»: تضاد / بستن با کنایه از گرفتاری کردن / «دست و پا»: مراعات نظیر / نسبت دادن پیری به گردون: استعاره

(تشخیص) / گردون مجاز از روزگار

۷۷) کاوه به درگاه فریدون آمد وقتی او را آنجا دیدند، فریاد و خروش برخاست.

۷۸) الف) توصیف زور بازو و قدرت بدنی

ب) زور بازو و توانایی بدنی بدون دانش کارساز نیست.

۷۹) الف) بیت دوم

ب) «هوای کسی را کردن» کنایه از جانبداری و طرفداری کردن از کسی / «سر از بند بیرون کردن» کنایه از خود را از سلطه و قدرت رها کردن

۸۰) الف) مرجع «اوی» ضحاک است.

ب) دو عبارت کنایی وجود دارد:

۱- روی سوی دوزخ نهادن: کنایه از گناهکار شدن

۲- «دل سپردن»: کنایه از فریفته شدن، پذیرفتن

۸۱) فرمانده و سردار سپاه (ضحاک) به سخنان کاوه توجه کرد و از آن سخنان متعجب شد.

۸۲) به ناچار، چه پیر و چه جوان بر آن استشهادنامه گواهی دادند.

۸۳) الف) منظور از محضر، استشهادنامه دروغین برای اثبات نیکوکاری ضحاک است.

ب) اژدها همان ضحاک است.

ج) خیر، بزرگان دربار از ترس ضحاک اقدام به نوشتن گواهی نامه کردند.

۸۴) منظور از «کار»، نوشتن استشهادنامه جعلی برای اثبات نیکوکاری ضحاک است.

۸۵) همه افراد نیکوکار و درستکار از ترس ضحاک در نوشتن استشهادنامه با هم همراه و موافق شدند.

۸۶) الف) ضحاک از موبدان می خواهد استشهادنامه ای بنویسند و مردم نیک خواهی ضحاک را گواهی دهند.

ب) منظور از سپهبد، ضحاک است.

۸۷) الان باید استشهادنامه ای بنویسید و در آن گواهی دهید که ضحاک جز خوبی کار دیگری انجام نداده است.

۸۸) الف) منظور از دشمن، فریدون است. ب) گوینده این ابیات، ضحاک است.

۸۹) الف) بعد از آن ضحاک به پیشوایان روحانی زرتشتی گفت: ای عالمان با اصل و نسب و خردمند.

ب) من یک دشمن پنهانی دارم. این مسئله برای خردمندان واضح و آشکار است.

۹۰) ضحاک از هر سرزمینی، بزرگان آن را فراخواند تا بتواند با مشاوره با آنها به دوران اقتدار پادشاهی خود برگردد.

۹۱) ضحاک (که آرام و قرار نداشت) چنان شد که همیشه از دشمن خود، فریدون، سخن می گفت. (فکر فریدون، قرار و آرام را از ضحاک ربوده بود).

۹۲) بر این گونه روزگار (دوران ظلم و ستم) بسیاری سپری شد و ضحاک که به شکل و هیئت اژدها بود به سختی و گرفتاری دچار شد.

۹۳) فضیلت و معرفت و علم، بی ارزش شد و سحر و جادوگری اعتبار یافت. راستی و درستی پنهان شد و آسیب و آزار و دغل رواج یافت.

۹۴) «ب» - ضحاک

۹۵ شیوة خردمندان و افراد شایسته روزگار پنهان شد و راه و رسم دیوسیرتان رواج یافت.

۹۶ وقتی ضحاک پادشاه جهان شد به مدت هزار سال بر ایران فرمانروایی کرد.

۹۷ لازم است (باید) برای این اقدام (ظالمانه) به من حساب پس دهی تا مردم جهان شگفت زده شوند.

۹۸

الف) شاه (ضحاک) با چهره خشمگین به او (کاوه) گفت: که بگو چه کسی به تو ستم کرده است؟

۹۹ الف. ضحاک

ب. شاه به من ظلم و ستم می کند.

۱۰۰ پایمردان دیو، دستیاران، مشاوران و سران حکومت ضحاک بودند که تباهی و ظلم او را توجیه می کردند.

۱۰۱ زمینه ملی:

* زهر کشوری مهتران را بخواست / که در پادشاهی گند پشت راست

* یکی محضر اکنون نباید نوشت / که جز تخم نیکی، سپهد نکشت

زمینه قهرمانی: همی بر خورشید و فریاد خواند / جهان را سراسر سوی داد خواند

۱۰۲ در اساطیر ایران، مار مظهری از اهریمن است و در اینجا بر دوش ضحاک می روید که تجسمی از خوی های اهریمنی، بیداد و منش خبیث است.

۱۰۳ سه بار - ابتدا با موافقت او پدرش مرداس را که مردی پاک بود از پای در می آورد تا ضحاک به پادشاهی برسد.

سپس در لباس خوالیگری چالاک خورش های حیوانی را بدو می خوراند و خوی بد را در او می پرورد.

سپس بر اثر بوسه زدن ابلیس بر دوش ضحاک، دو مار از دو کتف او می رویند و مایه رنج وی می شوند. پزشکان فرزانه از عهده علاج بر نمی آیند تا بار دیگر ابلیس

خود را به صورت پزشکی در می آورد و به نزد ضحاک می رود و به او می گوید راه درمان این درد و آرام کردن مارها، سیر داشتن آنها با مغز سر آدمیان است.

۱۰۴ ضحاک در اوستا موجودی است سه پوزه سه سر شش چشم. دیوزاد است و مایه آسیب آدمیان و فتنه و فساد.

۱۰۵ ب - ضحاک که خود به کاوه ظلم کرده بود، با ریاکاری از او می پرسد چه کسی به تو ظلم کرده است؟

۱۰۶ مرداس - آبتین

۱۰۷ از بین رفتن ارزش ها (رواج ناهنجاری ها در جامعه / بی ارزش شدن فضایل اخلاقی)

۱۰۸ ج) ملی و قهرمانی

۱۰۹ گزینه «الف» یا «شورشیان درباری»

۱۱۰ گزینه «الف» «جسمی»

۱۱۱

۱- گرفتن انتقام فرزند ۲- نابودی استبداد ضحاک

۱۱۲ مارهایی که بر دوش ضحاک رویدند تجسمی از خوی های اهریمنی، بیداد و منش پلید و آلوده او بودند.

۱۱۳ بیت بیست و نهم: خروشید و برجست لرزان ز جای / بدید و بسپرد محضر به پای

معنی: کاوه خروشید و در حالی که می لرزید، از جایش بلند شد و استشهدانم ضحاک را پاره کرد و زیر پای افکند.

مفهوم: شجاعت و آزادگی کاوه

۱۱۴ ضحاک دستور داد تا فرزند کاوه را آزاد کنند:

«بدو باز دادند فرزند او به خوبی بجستند پیوند او»

۱۱۵ الف) - در بیت «الف» کاوه با تندی به ضحاک می گوید تو چه شاه و چه اژدها باشی باید در این مورد درست قضاوت کنی.

۱۱۶ مفهوم هر دو بیت ترسیم اوضاع نابه سامان جامعه، تسلط اهریمنان و ناراستی ها بر جامعه و بی اعتباری کار و هنر و فضیلت است.

۱۱۷ به ترتیب: ضحاک: خداوند جهان

۱۱۸ مجموعه فضایل انسانی

۱۱۹ زمینه قهرمانی حماسه

۱۲۰

الف) شاید از حساب پس دادن تو معلوم شود که چرا باز نوبت قربانی شدن فرزند من رسید؟

۱۲۱

الف) حرکت کنید (برخیزید)

ب) خداوند

پ) کاوه

۱۲۲

الف مردم جهان

ب لازم است برای این اقدام (ظالمانه) به من حساب پس بدهی.

۱۲۳

الف باید در این مورد که تو شاه هستی و یا یک موجود اهریمنی با نشان اژدها، داوری و قضاوت شود.

ب فریاد زد که ای دستیاران و حامیان ضحاک دیوصفت و ای کسانی که از خدای جهان نمی ترسید.

پ فریاد کشید و در حالی که از خشم می لرزید، از جا برخاست و استشهادنامه را پاره کرد و زیر پا انداخت.

ت ای مردم قیام کنید که ضحاک مانند شیطان است و در دل، دشمن خدای جهان آفرین است.

ث مرد پهلوان (کاوه) پیشاپیش می رفت و سپاه بزرگی در کنارش جمع شد.

ج تو زور و نیرو داری، ولی به خاطر نداشتن دانش استفاده از آن نیرو، نمی توانی به آسانی در مورد آن خودستایی و ادعا کنی.

۱۲۴

الف سخن می گفت

ب ستم دیده: کاوه / ش: کاوه

پ ضحاک

ت ظلم و ستم، مصیبت

ث سپهبد: ضحاک / او: کاوه

ج هرگز نمی ترسم

چ بزرگ

ح روی پا

خ حامیان ضحاک، خدای جهان

۱۲۵

الف جابه جایی ارزش ها در جامعه / بی توجهی به خوبی ها و ارزشمند شدن بدی ها

ب تقابل اهریمن و خدا / نکوهش دوری از حق و گرایش به باطل

پ سرکشی از باطل لازمه طرفداری از حق

ت حساب پس دادن (حساب رسی)

۱۲۶

الف توصیف قدرت بدنی

ب به مبارزه و کشتی دعوت کردن

پ تأکید بر استعداد همراه با علم

۱۲۷

الف اگر پادشاهی تمام جهان از آن توست، چرا همه رنج ها و سختی ها برای ماست؟

ب من این استشهادنامه را تأیید نمی کنم و هرگز از پادشاه نمی ترسم.

پ [کاوه] فریاد زد و همه مردم جهان را به عدالت دعوت کرد.

ت کسی که خواهان فریدون است، بندگی ضحاک را رها می کند.

ث در میدان نبرد، شخص تنومند برای او مانند فرد لاغر و ناتوان بود و رستم در برابرش مثل پیری سفیدموی می شد.

ج [آن کشتی گیر] وقتی با جوانان کشتی می گرفت، از فلک پیر و با تجربه نیز، پخته تر و با تجربه تر خود را نشان می داد و بر آنها غلبه می کرد.

چ یک روز دوستان اصرار کردند و مرا به گردش بردند.

ح دانش در هر موردی شایسته است و دانا در آن مورد بر همه پیروز می شود.

خ استعداد صرف، فقط پشیمانی از روزگار را به همراه دارد.

۱۲۸

الف

پیشوایان روحانی زردشتی

ب

فریدون

پ

ضحاک

۱۲۹

الف

او: ضحاک

ب

ش: مفعول

پ

به دستور ضحاک برای ساکت کردن خشم کاوه و جلوگیری از قیام، کاوه آهنگر را نزد بزرگان دربار نشانده.

۱۳۰

الف

کاوه به بارگاه پادشاه جدید، فریدون، آمد و مردم، فریدون را در مخفیگاهش دیدند و با دیدن او فریاد شادی سر دادند.

۱۳۱

الف

وقتی ضحاک پادشاه شد، حکومت او هزار سال طول کشید.

ب

حضرت علی (ع) برای گرفتن اذن ورود به میدان مبارزه با عمر و نزد پیامبر (ص) آمدند اما پیامبر (ص) به ایشان اجازه نبرد ندادند.

۱۳۲

گزینۀ «ا»: جمع شدن مردم به دور کاوه نشانه حمایت آنها از قیام او علیه ضحاک است.

۱۳۳

«آگاهی» مهم‌تر است؛ زیرا در بیت آمده که با قدرت تنها نمی‌توان ادعای کاری را داشت.

۱۳۴

استعداد باید همراه علم و آگاهی شود، تا موجب موفقیت گردد.

۱۳۵

تجربه زیاد کشتی‌گیر

۱۳۶

با توجه به مصراع دوم، «سر پر از کینه بودن» گرفتن انتقام پدرش و «دلی پر ز داد» عدالت‌خواهی فریدون را نشان می‌دهد.

۱۳۷

منظور از «سالار نو» فریدون است.

۱۳۸

دشمن بودن ضحاک با خدا

۱۳۹

«درفش کاویان» نماد پیروزی است.

۱۴۰

کتاب «روضه خلد» نوشته مجد خوافی از نویسندگان قرن هشتم است.

۱۴۱

انقلابی

۱۴۲

الف) عزت: ارجمندی / کیمیا: ماده‌ای که به عقیده قدما می‌توانست مس را به طلا تبدیل کند و خاصیت درمانی نیز دارد: اکسیر

ب) یزدان: خدا / اهریمن: ابلیس و شیطان

ج) کیش: آیین، مذهب، دین / فرزانی: دانایی، خردمندی

۱۴۳

زد

۱۴۴

اسب: ابرش / اجازه: رخصت / شیر: غضنفر

۱۴۵

آواز ← لحن

مهیّب ← ژنده

ترس ← سهم

پسر ← پور

شیر ← غضنفر

نبردگاه ← آوردگاه

۱۴۶

هژبر: شیر

مخنقه: گردن‌بند

۱۴۷

الف) لخت‌لخت: تکه‌تکه، پاره‌پاره / قبا: نوعی جامه جلو باز که دو طرف جلوی آن با دکمه بسته می‌شد.

ب) ضرب: زدن، کوفتن / حرب: آلت حرب و نزاع، مانند شمشیر، خنجر و ...

۱۴۸

مذهب: کیش

ماده‌ای که ماهیت اجسام را تغییر می‌دهد: اکسیر

دریا: یم

نوعی جامه جلو باز: قبا

آب دهان: خدو

اسبی که بر اعضای او نقطه باشد: ابرش

جنگ: غزا

۱۴۹ بی عیب ← منزّه

دوستدار ← حبیب

بلند کردن ← برافراختن

بازل ← بخشنده

کوفتن ← ضرب

مکر ← دغل

۱۵۰ الف) سهم: ترس، بیم / ب) بخایید: جوید / ج) شاهد: زیارو

۱۵۱

الف) حبیب: دوستدار، یار

ب) دستوری: رخصت، اجازه دادن

پ) هژبر: شیر / ثیان: خشمناک، خشمگین

ت) غضنفر: شیر / یم: دریا

ث) برافراخت: برافراشت، بلند کرد

ج) ژنده: بزرگ، عظیم

چ) غزا: پیکار، جنگ

ح) خدو: آب دهان، بزاق

خ) آوردگاه: میدان جنگ، نبردگاه

۱۵۲

الف) کیمیا

ب) قبا

پ) حرب

ت) امتناع

ث) تپیدن

ج) شاهد

۱۵۳

الف) آبرش: اسبی که بر اعضای او نقطه‌ها باشد؛ در اینجا مطلق اسب منظور است.

ب) رزمگه: مخفف رزمگاه، میدان جن

پ) امتناع: سر باز زدن از انجام کاری یا قبول کردن سخنی، خودداری کردن

ت) برافراختن: برافراشتن، بلند کردن

ث) آوردگاه: میدان نبرد، نبردگاه

ج) تپیدن: بی‌قراری و اضطراب نمودن، لرزیدن از ترس

چ) منزّه: پاک و بی‌عیب / دَغَل: حيله، فریب

ح) کاهلی: سستی

خ) پور: فرزند مذکر، پسر

د) افلاک: جمع فلک، آسمان‌ها

۱۵۴

الف) بیت، به جنگ خیبر و باز کردن در قلعه خیبر به دست حضرت علی (ع) اشاره دارد.

ب برافراخت: برافراشت، بالای سر برد

۱۵۵

الف شاعر با وطن خود پیمان بسته است تا جان خود را در راهش فدا کند.

ب پور: پسر، فرزند / گوهر: اصل، نسب، نژاد

پ مرجع «او»، وطن (ایران) است.

۱۵۶ بازل ← باذل

معمور ← مأمور

۱۵۷ الف (عَلَم) علم (پرچم)

ب (عمر)

ج (حرب)

۱۵۸ گزینه «الف» یا «سپر بر سر آورد شیراله / علم کرد شمشیر آن اژدها»

در گزینه ب، املای صحیح واژه، «بخایید» به معنای جوییدن است.

۱۵۹

الف غزای

ب مأمور

پ بگذاشتی

۱۶۰

الف واژه «ذر» نادرست و «نظر» صحیح است.

ب نادرستی املایی ندارد.

پ واژه «الم» نادرست و «عَلَم» صحیح است.

ت واژه «قضا» نادرست و «غزا» صحیح است.

ث واژه «معمور» نادرست و «مأمور» صحیح است.

ج نادرستی املایی ندارد.

۱۶۱ آقشته ← آغشته / کیش فرزانه گی ← کیش فرزانی / گزاردن و رها کردن ← گذاردن و رها کردن

۱۶۲ هرب ← حرب / امتنا ← امتناع / قضنفر ← غضنفر / خصم ← خصم

۱۶۳ غضنفر، وصی، خصم، حرب

۱۶۴ ش (تنش) مضاف الیه سر است. (تن بی سرش)

۱۶۵ با واژه دشمن (هر دو مضاف الیه هستند).

۱۶۶ الف) دو مفعول: ۱ - تیغ ۲ - دست

ب) دو ترکیب اضافی: ۱ - شیر خدا ۲ - دست دریغ

۱۶۷ ترکیب‌های وصفی: ۱ - آن سیه‌روز ۲ - آن برگشته‌بخت

ترکیب اضافی: شاخ درخت

۱۶۸ ترکیب وصفی: آن اژدها / ترکیب اضافی: شیراله

۱۶۹ نخست: قید / بازو: مفعول / شاخ: متمم

۱۷۰ دل: مضاف الیه / در: مفعول / صلح: مضاف الیه / روی: متمم

۱۷۱ ترکیب وصفی: خدای جهان‌آفرین

ترکیب‌های اضافی: ۱ - حبیب خدای ۲ - روی مردان ۳ - مردان دین

۱۷۲ ترکیب وصفی: آن اژدها

ترکیب‌های اضافی: ۱ - بازوی دین ۲ - شیر خدا ۳ - طالب رزم ۴ - رزم اژدها

۱۷۳ بلاغی - همه سر در گریبان فرو برده بودند / هوس هیچ کس رزم او نشد. (هیچ کس میل جنگیدن با عمرو را در سر نداشت).

۱۷۴ آن سپهر نبرد: بَدَل

ابرش: مفعول

* عمرو آن سپهر نبرد ابرش را برانگیخت.

نهاد بَدَل مفعول فعل

۱۷۵

الف علی - اخلاص عمل - شیر حق - منزّه - دغل (پنج گروه اسمی)

ب او - خدو - روی علی - افتخار هر نبی - افتخار هر ولی (پنج گروه اسمی)

پ من - تیغ تیز - چه - من (چهار گروه اسمی)

ت شیر حق - شیر هوا - فعل من - دین من - گوا (پنج گروه اسمی)

ث بازوی دین - شیر خدا - طالب رزم آن اژدها (سه گروه اسمی)

۱۷۶

الف دلیران میدان ← ترکیب اضافی

ب آن آهنین کوه ← وصفی / همه رزمگه ← وصفی / کوه فولاد ← اضافی

۱۷۷

الف روی: متمم

ب همه: نهاد

پ دستوری: مفعول

ت شه: نهاد

۱۷۸

الف به خاطر تقدّم فعل بر دیگر اجزا

ب در مصراع اوّل تقدّم فعل بر متمّم / در مصراع دوم تقدّم فعل بر نهاد و متمّم و مسند

۱۷۹

الف سپهر

ب هوس ← هیچ کس را هوس (هوس هیچ کس)

پ حبیب

۱۸۰

الف یم

ب غضنفر: شیر / وصی: جانشین / یم: دریا

پ «غضنفر» استعاره از حضرت علی (ع)

۱۸۱

الف «را» نشانه فک اضافه است. نشد هیچ کس را هوس ← هوس هیچ کس

ب سر در گریبان فرو بردن: کنایه از شرمنده و خجالت زده بودن

۱۸۲

الف بینداخت: زد

ب «شاه دین»: علی (ع)

پ ترکیب وصفی: خدای جهان آفرین / ترکیب اضافی: ۱ - نام خدای ۲ - شاه دین

۱۸۳

الف منظور از «حبیب خدای جهان آفرین»، پیامبر اسلام (ص) است، زیرا لقب ایشان حبیب الله بود.

ب بیت یک جمله دارد.

پ واج آرایی تکرار مصوّت /- «حبیب خدای جهان آفرین» نگراند بر روی مردان دین

۱۸۴

الف

نادرست؛ نوع «و» ربط است.

۱۸۵

گزینۀ «۴»: واژهٔ «ژنده‌فیل» نهاد است. (آن ژنده‌فیل در خاک غلتید)

۱۸۶

گروه‌های اسمی و هسته‌ها: فلک (هسته: فلک)، سهم آن جنگ (هسته: سهم)، رنگ (هسته: رنگ)، سهمگین (هسته: سهمگین)، جنگ شیر و پلنگ (هسته: جنگ)

۱۸۷

■ خشمگین شدن

■ ترسیدن

۱۸۸

کنایه: مصراع اول کنایه از نرسیدن به هدف و غرض در نبرد

تشبیه: شاهد آرزو: اضافهٔ تشبیهی

۱۸۹

الف) «عَلَم کردن» کنایه از بالای سر بردن است. (در این درس)

ب) «دندان به دندان خاییدن» کنایه از نهایت خشم و عصبانیت است.

۱۹۰

«هژبر» استعاره از حضرت علی (ع) است.

۱۹۱

غضنفر: استعاره از علی (ع) / هژبر ثیان: استعاره از علی (ع) / آهنین کوه: استعاره از عمرو بن عبدود

۱۹۲

الف) «سپر بر سر آوردن» کنایه از دفاع کردن است.

ب) «شیر اله» استعاره از علی (ع) / «اژدها» استعاره از عمرو بن عبدود

۱۹۳

مجاز: «ابرش» مجاز از اسب

کنایه: «گرد برافشاندن» کنایه از سرعت حرکت سوارکار است.

۱۹۴

بازوی دین / شیر خدا / اژدها

۱۹۵

الف

خاک مجاز از سرزمین

ب

نظر مجاز از چشم

پ

افلاک مجاز از تمامی کشور

ت

ایران مجاز از مردم ایران

۱۹۶

الف

سپهر نبرد کنایه از مهارت در جنگاوری / گرد برافشاندن کنایه از حرکت باشتاب

ب

مصراع دوم کنایه از به دنبال داوطلب جنگ با عمرو بودن

پ

دندان خاییدن کنایه از عصبانی شدن / پا بر زمین فشردن کنایه از اصرار

۱۹۷

الف

ندیدن دستور: حس آمیزی

ب

شاهد آرزو: اضافهٔ تشبیهی

پ

چشم مجاز از نگاه

ت

اشاره به رشادت حضرت علی (ع) در جنگ خیبر: تلمیح

ث

بر خصم تیغ راندن کنایه از سر بریدن و کشتن عمرو / دست بر سر کوفتن کنایه از ناراحتی و افسوس خوردن

۱۹۸

الف

قدرت: مشبّه / یم: مشبّه‌به

ب

آرزو: مشبّه / شاهد: مشبّه‌به

۱۹۹

الف

فلک رنگ باخت: استعاره (تشخیص) / شیر استعاره از حضرت علی (ع) / پلنگ استعاره از عمرو

ب

هژبر استعاره از حضرت علی (ع)

پ

ژنده‌فیل استعاره از عمرو

۲۰۰

الف آماده شدن

ب خجالت کشیدن

پ ترسیدن

ت خشمگین شدن

۲۰۱

الف حضرت علی

ب «اژدها، استعاره از عمرو بن عبدود

۲۰۲

الف «زمین و زمان» مجاز از کل دنیا

ب مفهوم بیت، توصیف بی‌مانند بودن میدان جنگ است.

پ جناس ناهمسان: زمین، زمان

۲۰۳ چشمان مجاز از نظر و دیدگان / مانند کردن خاک به کیمیا: تشبیه

۲۰۴ اغراق در قدرت ضربت شمشیر حضرت علی (ع)

۲۰۵

الف «باد» در مصراع اول: هوا و نسیم؛ در مصراع دوم: فعل دعایی از مصدر «بودن»: جناس همسان

ب «علی، ولی» و «در، هر»: جناس ناهمسان

۲۰۶

۱) چون آن آهنین کوه آمد به دشت همه رزمگه کوه فولاد گشت

۲) فلک باخت از سهم آن جنگ، رنگ

۲۰۷ اغراق: کل بیت توصیف قدرت جذبۀ نگاه حضرت علی (ع) است.

کنایه: «کارش ساخته شد» کنایه از مردن و نابودی است.

جناس ناهمسان: چشم و خشم

۲۰۸ مجاز: «هند» مجاز از سرزمین کفر

کنایه: «رنگ پریدن» کنایه از ترسیدن

تشخیص: رخ کفر

جناس ناهمسان: رنگ، فرنگ

۲۰۹ واج آرایی: تکرار صامت /خ/

مجاز: بازو مجاز از دست

تشبیه: بازو به شاخ درخت مانده شده است.

کنایه: «سیه‌روز» کنایه از بدبخت است.

۲۱۰ جناس همسان: «که» اول: حرف ربط وابسته‌ساز؛ «که» دوم ضمیر پرسشی (چه کسی)

کنایه: «نظر گشودن» کنایه از انتظار کشیدن / «کمر بستن» کنایه از آماده شدن برای کاری

مجاز: «کینه» مجاز از جنگ

واج آرایی: تکرار صامت /ک/

۲۱۱ گزینه ج) اغراق

۲۱۲ جناس ناهمسان: سوی، روی

کنایه: «در صلح را بستن» کنایه از کنار گذاشتن صلح و جنگیدن است.

تشبیه: در صلح: اضافه تشبیهی

۲۱۳ اغراق: کل بیت اغراق در هیبت و سهمگینی عمرو بن عبدود است.

جناس ناهمسان: دشت و گشت

کنایه: «کوه فولاد شدن دشت» کنایه از سنگین و شکوه‌مند شدن است.

استعاره مصرّحه: «کوه آهنین» استعاره از عمرو بن عبدود

۲۱۴

الف

سیه‌روز، برگشته بخت کنایه از بدبخت / مانند کردن بازو به شاخهٔ درخت: تشبیه / بازو مجاز از دست

ب

کین، صلح: تضاد / در صلح: اضافهٔ استعاری / در بستن کنایه از راهی باقی نگذاشتن

پ

غضنفر استعاره از حضرت علی (ع) / از پا در آوردن کنایه از کشتن و نابود کردن / سر، تن، پا، گردن: مراعات نظیر

۲۱۵

الف

«آهنین کوه»: استعاره از عمرو

ب

«دشت»: مجاز از میدان نبرد

پ

«سوی» و «روی»: جناس ناهمسان

ت

«رنگ باختن فلک»: تشخیص

۲۱۶

۱- هدف مولانا از شعر، آموزه‌های عرفانی آن بوده است ولی شعر متن درس حماسهٔ دینی است.

۲- موضوع هر دو مشترک است؛ یعنی به ویژگی‌های امیرالمؤمنین اشاره می‌کنند.

۳- شعر مولانا جنبهٔ تعلیمی دارد، ولی شعر متن درس حماسه است و تنها جنبه‌های قهرمانی و پهلوانی حضرت علی را بیان می‌کند.

۲۱۷

علی (ع) خود را مطیع و بندهٔ حضرت حق می‌داند نه مطیع نفس اماره.

۲۱۸

الف) «ژنده‌فیل» استعاره از عمرو بن عبدود است.

ب) جبرئیل (ع) به خاطر از بین بردن «عمرو»، به نشانهٔ تشکر و سپاسگزاری، دست حضرت علی (ع) را می‌بوسد.

۲۱۹

شرمنده بودن، اندیشمند بودن

۲۲۰

رفتار من گواه دین من است و بندهٔ خداوند هستم نه هوا و هوس.

۲۲۱

خشمگین شدن

۲۲۲

دشمن وطن، از شیطان و اهریمن نیز بدتر است.

۲۲۳

معنی مصراع دوم: به چه کار مشغول شدی که کشتن مرا رها کردی؟

۲۲۴

از نظر باذل مشهدی بعد از کشتن «عمرو»، شیطان ناامید می‌شود و کفر نابود می‌گردد:

به سر کوفت شیطان دو دست دریغ

چو شیر خدا راند بر خصم تیغ

تپیدند بت‌خانه‌ها در فرنگ

پرید از رخ کفر در هند رنگ

۲۲۵

الف) پا فشردن: ثبات قدم داشتن، استواری در کاری

ب) دست بر سر کوفتن: اظهار تأسف، ناتوانی و بیچارگی

ج) رنگ از رخ پریدن: ترسیدن

۲۲۶

«ب» - آن دو ماهر در آداب جنگ با هفتاد سلاح جنگی جنگیدند.

۲۲۷

مفهوم بیت: توصیف شدت درگیری دو جنگجو

۲۲۸

ج - ب - الف

۲۲۹

بیت «ب»

۲۳۰

الف) مفهوم کلی بیت: مبارزه طلبی

ب) «نفس راست کردن» کنایه از نیروی دوباره گرفتن، آرام و قرار یافتن

۲۳۱

الف) عمرو بن عبدود

ب) شاعر خواسته با توصیفی اغراق‌آمیز، هیبت و سنگینی عمرو بن عبدود را ترسیم کند؛ به همین دلیل، او را آن قدر سنگین و باهیب می‌داند که با آمدنش به

رزمگه، تمام میدان جنگ مثل فولاد سخت می‌شود.

۲۳۲

«حملة حیدری» در قالب مثنوی سروده شده است زیرا هر بیت قافیهٔ جداگانه‌ای دارد. طرز قرار گرفتن قافیه‌ها در قالب مثنوی:

×	_____	×	_____
△	_____	△	_____
○	_____	○	_____
□	_____	□	_____

۲۳۳ اهریمن

۲۳۴ «ب» - در این بیت «نظر گشودن» به معنای منتظر بودن است.

۲۳۵ شیراله: حضرت علی اژدها: عمرو

۲۳۶ الف) ۳ ← تن در ندادن

ب) ۱ ← راه تافتن

۲۳۷ شعر وطن از نظام وفا دارای لحن حماسی است که در آن مفاهیم دفاع از وطن و حس میهن پرستی و ارزشمندی خاک آن بیان گردیده است و به دلیل وزن تند و کوبنده این شعر حماسی، آهنگ آن خیزان است و خواننده را به هیجان وامی‌دارد.

۲۳۸ ناامیدی شیطان و نابودی کفر بعد از ضربه زدن امام علی (ع)

۲۳۹ بیت ششم: همه برده سر در گریبان فرو / نشد هیچ کس را هوس، رزم او
معنی: همه لشکریان سرها را به زیر افکنده بودند و هیچ کس داوطلب مبارزه با او (عمرو بن عبدود) نبود.

مفهوم: شهادت نداشتن برای حضور در میدان نبرد.

۲۴۰ شعر حمله حیدری ویژگی‌های زیر را دربردارد:

۱- زمینه داستانی: داستان نبرد علی (ع) با عمرو بن عبدود

۲- زمینه قهرمانی: قهرمانی‌ها و پهلوانی‌های امیرالمؤمنین (ع)

۳- زمینه ملی: ندارد؛ چون حماسه دینی است.

۴- زمینه خرق عادت: ندارد؛ چون خرق عادت مربوط به حماسه‌های طبیعی مثل شاهنامه است. وجود عناصری چون سیمرخ، دیو سپید، رویین تن بودن اسفندیار و عمر هزارساله زال در شاهنامه فردوسی مربوط به زمینه خرق عادت هستند. حماسه حمله حیدری چون یک حماسه دینی است از این عناصر، خالی است.

۲۴۱ وقتی آرزو برآورده نشد و هیچ کدام از پهلوانان به آرزویشان نرسیدند.

۲۴۲

الف] ای وطن [بالاترین ارزش و بزرگی من حضور داشتن من در آسمان، زمین و تمامی پهنه توست و خاک تو در نظر من، مانند کیمیا نادر و ارزشمند است.

ب] ای وطن [اگر بخش بسیار کوچکی از زمین تو به دست دشمن نابود شود، بهتر است خون من به خاک آن زمین آمیخته باشد و پیش از نابود شدن آن من

کشته شده باشم.

پ کسی که به خاطر بد بودن خودش، دشمن وطن است به خدا قسم که چنین شخصی از شیطان هم بدتر است.

ت آن دو مبارز با کینه و دشمنی تمام به هم حمله کردند و در پی صلح و دوستی نبودند و راهی به جز جنگ باقی نگذاشتند.

ث دلیران و جنگ‌جویان میدان نبرد، منتظر بودند تا ببینند چه کسی نخست به میدان می‌آید و برای مبارزه آماده می‌شود.

ج ناگهان عمرو، آن پهلوان دلیر (سرآمد جنگ‌جویان) اسب خود را به حرکت درآورد و آماده مبارزه شد.

چ وقتی که عمرو تنومند وارد میدان نبرد شد، مانند کوهی از فولاد تمام میدان نبرد را اشغال کرد و گویی که میدان جنگ به کوهی از فولاد تبدیل شد.

ح آسمان از ترس جنگ رنگ باخته بود و به راستی جنگ دلیران، ترسناک و دشوار است.

خ وقتی که پهلوان حریف در حمله موفق و پیروز نشد، بار دیگر دو پهلوان به هم حمله کردند.

د آن دو مبارز به خاطر مهارت فراوان با انواع وسایل جنگی به نبرد پرداختند و ضربه‌های زیادی را از هم دفع کردند.

ذ علی (ع) نگاهی از خشم بر عمرو افکند به گونه‌ای که انگار همان نگاه، عمرو را از بین برد و او خود را شکست‌خورده دانست.

ر هنگامی که عمرو قدرتمند بر زمین افتاد و کشته شد، جبرئیل بر دستان علی (ع) بوسه زد و از او تقدیر کرد.

۲۴۳

الف] به دنبال داوطلب جنگ با عمرو بودن

ب بازوی دین ← حضرت علی (ع) / اژدها ← عمرو

پ هژبر ژیان ← حضرت علی (ع) / «ش» ← عمرو

ت عصبانی شدن

ث حضرت علی (ع) و عمرو

ج حضرت علی (ع)

چ زد

۲۴۴

- الف** آغاز مبارزه و جدیت در جنگیدن
ب مهارت جنگ‌جویان
پ ابّهت نگاه حضرت علی (ع) / تحقیر دشمن

۲۴۵

- الف** همه افراد سپاه اسلام، سر را پایین انداخته بودند و هیچ کس میل جنگیدن با او را نداشت.
ب حضرت علی (ع) برای گرفتن اجازه، به سرعت نزد پیامبر (ع) رفت و از او اجازه خواست، اما پیامبر (ع) اجازه نداد.
پ عمرو پای خود را مانند کوه بر زمین فشرد و محکم ایستاد و از روی خشم دندان‌هایش را روی هم فشار داد.
ت زره لباس دو مبارز تکه‌تکه شد و سر و صورت آنان پر از گرد و خاک گردید.
ث [حضرت علی (ع)] دست خنجرگشا را بلند کرد و برای بریدن سر عمرو محکم ایستاد.
ج وقتی حضرت علی (ع) شمشیر را بر دشمن زد، شیطان به نشانه افسوس، دو دستش را بر سر کوبید.
چ [با کشته شدن عمرو] کفر در هند ترسید و بت‌خانه‌ها در غرب به خود لرزیدند.
ح حضرت علی (ع) شمشیر را بر گردن عمرو زد و سر را از تنش جدا کرد و او را کشت.
خ دفاع از وطن، آیین دانایی است و فدا کردن جان در راه آن، رسم مردانگی است.

۲۴۶

- الف** پیامبر (ص)
ب خجالت کشیدن
پ عمرو

۲۴۷

- الف** عمرو (شه جنگ‌جو یعنی علی (ع) به پیش عمرو برآمد).
ب حضرت علی (ع)
پ وطن

۲۴۸

- الف** سست و لرزان شدن پایه‌های کفر با کشته شدن یکی از یاران شیطان.
ب شرق و غرب جهان از شکست کفر ترسیدند.

۲۴۹ ابیاتی که در مورد «الف» آمده به «قدرت جنگاوری و شجاعت» حضرت علی (ع) اشاره کرده است، اما ابیات مورد «ب» درباره «قدرت معنوی و اخلاص» ایشان است.

۲۵۰ استراحت کردن و نفس تازه کردن

۲۵۱

رود ذره‌ای گر ز خاکت به باد
به خون من آن ذره آغشته باد
پیام کلی: ایثار در راه حفظ وطن
نظام وفا

۲۵۲ شعر «حملة حیدری» سروده «بازل مشهدی» است.

۲۵۳ منظومه «حملة حیدری» اثر «بازل مشهدی» و در قالب «مثنوی» است.

۲۵۴

۲۵۵

الف

منم پور ایران و نام‌آورم
ز نیروی شیران بود گوهرم

ب

کنم جان خود را فدای وطن
که با او چنین است پیمان من

پ

کسی کز بدی، دشمن میهن است
به یزدان، که بدتر ز اهریمن است

ت

مرا اوج عزّت در افلاک توست

به چشمان من کیمیا خاک توست

۲۵۶

الف

ز نیروی شیران بُود گوهرم

ب

گذشتن ز جان، رسم مردانگی ست

پ

کسی کز بدی، دشمن میهن است

ت

رُود ذرّهای گر ز خاکت به باد

۲۵۷

الف

مرا اوج عزّت در افلاک توست

۲۵۸

الف

به چشمان من کیمیا خاک توست

۲۵۹

الف

رود ذرّهای گر ز خاکت به باد

به خون من آن ذره آغشته باد

۲۶۰

دفاع از وطن، کیش فرزانی ست

گذشتن ز جان، رسم مردانگی ست

۲۶۱

رُود ذرّهای گر ز خاکت به باد

به خون من آن ذره آغشته باد

۲۶۲

گزینه «پ» ز نیروی شیران بُود گوهرم

